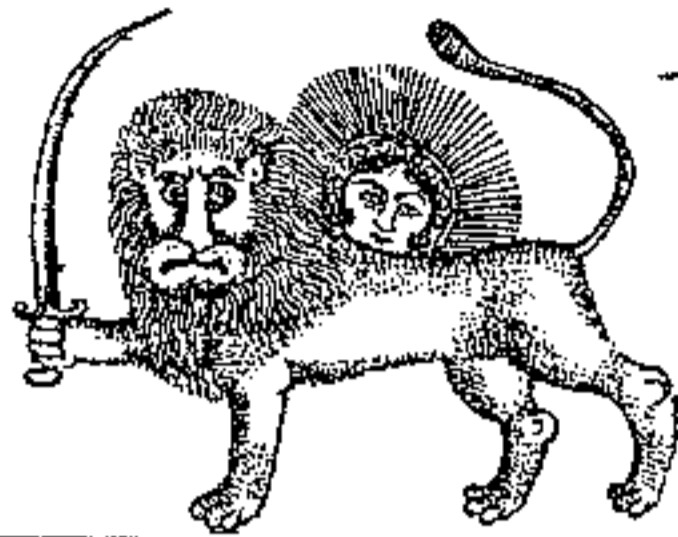


روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه پنجم شهر ذیقعده سال مطابقی سال لوی هجری ۱۲۷۲

مزه ویست هشتاد و چهار

قیمت روزنامه

هر نسخه دوشاهی



منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

بر سطر پنجاه

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

ارووی بهایون

مؤکب سیروزی کوکب اعلی حضرت اتیس بهایون  
شاهنشاهی تشریف فرمای نیاوران میشتا و برو  
فایض ایچو د بهایون بسیار خوش میگذرد امنای  
دولت علیه و مقربان حضرت کرده و نبط سینه  
و سایر چاکران در بار بهایون هر یک با انجام صدا  
محو که سجد مشغول و اهل سلام همه روزه شیر فاب  
حضور با هر التور میگردند و در این اوقات که شند  
کرمای تابستان است هوای سیاق نیاوران کمال بود  
و صفار ادر و علی الخصوص عمارت مبارکه سلطانی که  
شکل بر انهار و اشجار و قصور و بیوتات با زیبایی  
و مطبوع و سخن خاطر ملوکانه و سبب عد و تب ما  
و لطافت هوا امتیاز تمام دارد  
نظر بحسن اوقات نوبت مستطاب نهاده و ابلا را در دست  
حکمران دارالخلافه طهران در نظام امور دارالخلافه و فوظ

غایت خاطر اقدس بهایون شاهنشاهی در باره  
نواب معزی الیه درین اوقات یک ثوب جبهه ترمه  
رزم آبی حاشیه بنوای معزی الیه حرمت فرمودند و  
بجهت ظهور کفایت و کار دانی مقرب انخاقان سیر زامو  
وزیر دارالخلافه الباه عصائی مرصع بخواهر نیز مقرب انخاقان  
مشار الیه النطاعت فرمودند

چون مراتب حسن کفایت و اتمانات نواب مستطاب  
والا تبار مویده الدوله حکمران مملکت فارس در نظام  
انولایت و انضباط بندر عباسی و سایر بنا در فارس  
مشهود خاطر اقدس بهایون شاهنشاهی گردید در این  
اوقات یک قبضه شمشیر مرصع از جانب سنی بخوا  
ملوکانه بجهت مزید مفاخرت و مبانات نواب معزی الیه  
مرحمت و ارسال گردید

نظر بظهور قابلیت و شایستگی عالیجاه علی آقانیب خود  
در این اوقات بوجوب حکم نظامی منصب سرافراز گردید

۱۸۲۹

از قرائت حکام و مباحثین ولایات نوشته اند  
 عالیجاه اسمعیل خان چاچاری باشی درین اوقات  
 منازل را اسبهای تازه خوب خریداری نموده و  
 و چاچار خانها را منظم داشته که از برای هیچیک  
 از مترودین معطلی حاصل نشود و منی شود چنانکه درین  
 روز چاچاری از اصفهان دور و در وصف آمد و  
 کرمانشاهان سه روزه و راه خراسان با اینکه از جانب  
 دیوان حکم شده است شش اسب بسته شود و  
 مأمورین دولتی شش هفت اسب برداشته اند و چنان  
 که از آن طرف و این طرف می آید و در اسب بسته  
 و در یک منزل بهد بگر بر خورده اند که در یک مرتبه  
 ده اسب در ذاب و ایاب از یک منزل برداشته  
 میشد و برای هیچیک معطلی حاصل نشد و همگی را اسب  
 واده روانه مقصد نموده اند بدون حالت معطلی علی  
 نظر بحسن خدات عالیجاه چاچاری باشی و کمال حمت  
 ملوکانه در باره مشارالیه که خاطر اولیای دولت  
 قاهره را از حسن خدمات خود راضی داشته درین  
 اوقات یکطاقه شال ترمه و یک ثوب قبای ریشی  
 برسیم خلعت بجایجا مشارالیه مرحمت شد که هم  
 ملوکانه امیدوار بوده و در برودت بخش خدمتگداری خود  
 بیفزاید

دارالخلافه طهران

امور دارالخلافه مبارکه از هر جهت منظم و مضبوط  
 سرقت و شرارت کمتر اتفاق می افتد از عهد درین روزها  
 قافله خراسان می آید است در و در این بعضی حال اینها را

۱۸۳۰

جماعت زر که سرقت کرده بودند در محال شهریار  
 دزدان را گرفته آوردند حسب حکم نواب مستجاب  
 شاهزاده و الا بتبار اردشیر میرزا حکمان دارالخلافه  
 طهران و توابع اموال مسروقه دریافت و حبس  
 تسلیم و دزدان تنبیه بفرمودند

عمده الامراء العظام محمد خان امیر تومان همه وقت در  
 عمارت ارک جناب شرف ارفع صدر اعظم مشغول  
 رسیدگی با منورات نظام و خدمات محوله بنحویست  
 و عالیجاه علی آقای نایب اجدان باشی را که تازه برگشته  
 شده در اطاق نظام گذاشته است که قراولان

عمارات مبارکه سلطانی را رسیدگی نماید و عالیجاه  
 عباس آقای نایب اجدان باشی بقراول خانها  
 شهر گذاشته با مأمور قراول خانها رسیدگی می نماید و بعضی  
 شبها بقراول خانها سرکشی می کند و سه بازاران قراولان

با کمال نظم مشغول قراولی خود هستند تو سحان و  
 افواج قاهره متوقفین دارالخلافه بواسطه گرمی هوا  
 از مشق عرض میباشند لکن صاحب منصبان افواج  
 قاهره که بنجه مشق احضار رکاب مبارک شده اند عالیجاه  
 رضی قلیخان سرمنک یک ساعت قبل از طلوع آفتاب  
 آنها را در میدان مشق حاضر کرده دو ساعت مشق میدادند

و هر یک از معلمین و معیّنین مدرسه دارالقانون همه روزها  
 بقرار مستمر در مدرسه مشغول تعلیم و تعلم هستند

سایر ولایات

اور با بایجان و استرآباد و اسباب  
 ازین ولایات جاری رسیده است

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند بحال اینست  
 و انتظام از حسن اقب و اهتمام نواب مستطاب  
 و الایثار حمت الدوله حکمران اصفهان در آن ولایت  
 حاصل است و نواب محسزی الیه هر روز از  
 اقبابالی کیاست از شب گذشته در عمارت حسن  
 می نشینند و هر کس از اعلی و ادانی عرضی و مطلبی در  
 باشد بدون مانعت و مزاحمت حاجب و دربان  
 عرض خود را می نماید و بر وفق عدالت امر او فیصل می  
 ور عایا و برابا در عین آسودگی بدعای دوام عمر  
 شوکت و دولت اعلیحضرت قوی شوکت شایسته  
 خلد الله ملکه و سلطانه مشغول میباشند و عالیجاه  
 زکی پیشکار حسب احکام نواب نیز از همه روزها با  
 اصفهان و در فرخانیته مشغول محاسبات و معالفا  
 و داد و ستد مالیات میباشند و هم چنین امور محلا  
 منظم و مضبوط دستخطین حفظ و حرمت مشغول  
 و سرف و خلاف کتبه وقوع می یابد  
 فوج ابوالجحیی عالیجاه نصرالله خان سرتیب همه روز  
 در میدان نقش جهان مشغول مشق میباشند و عالیجاه  
 بحال مراقبت را در مشق و انتظام امر آنها دارد و کسی  
 سر باز نمیرود قدرت حرکت فدا حساب ندارد و اگر  
 بدرت یکی مرتکب شد ارتتی بشود تنبیه نظامی مضبوط  
 میشود فوج ابوالجحیی عالیجاه ابوالقاسم خان سرنگ  
 اصفهانی بر قدر حاضر شده اند در میدان همه روز  
 مشغول مشق میباشند و بحال نظم را دارند و صاحب  
 نهایت اهتمام در مشق و انتظام امر آنها بعمل می آورند

دیگر نوشته اند که چند نفر از اشرار و مفسدین گردون  
 که با نوره علیخان ضابط آنجا عدوت قدیم داشته  
 در این اوقات زیاده مصدر شرارت و فساد  
 و در جبال و صحاری متواری شده بقطع طرق و  
 اموال و سنگ دماغ عابرین و مترددین مشغول بودند  
 و گاهی نیز بقبار و آبا و بیهای آن اطراف دست انداز  
 میکردند مراتب بعضی نواب حمت الدوله رسیده  
 چند نفر غلام بگیرفتن آنها را مقرر نمودند غلامان آنها را  
 در باغی یافته و زردان در آن باغ محصور و بنای تیرانداز  
 وز و خورد که داشته بلاخره غلامان آنها را که چنانچه  
 نفر بودند مقتول و شرش را از سرانالی آنجا رفع  
 کرده بودند

دیگر نوشته اند که قرا و خانهای طرق را آنچه متعلق  
 سجاک اصفهان است نواب شاهزاده از هر طرف  
 مضبوط کرده و سواره و مستحفظ تجمیع حفظ و حرمت  
 گذاشته و عابرین و مترددین با سودگی و ایمنی  
 از آنجا عبور و مرور می نمایند  
 دیگر نوشته اند که چند روز است حسب احکام نواب  
 حمت الدوله بنیاد علمه بهارات دیوانی و میدان  
 نقش جهان گذاشته مشغول تعمیر خرابیهای آنجا  
 میباشند

دیگر نوشته اند که فوج محال اربعه اصفهان را ابوال  
 شاهزاده احضار نمودند که بموجب آنها رسیدگی نماید  
 و قرار دادند که از اول ماه دیقعه مواجب آنها را خود  
 بدست خود بانها بدهند که تدارک خود را دیده و در  
 بجا یون شوند

۱۸۳۱

بروجرد

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته اند نواب  
 مستطاب شاهزاده والا با جیشام الدوله حکمران  
 بروجرد و خنیشاری و عربستان و لرستان و غیره  
 ماه شوال از عربستان وارد بروجرد شده اند  
 و بعد از ورود بنای رسیدگی با مور لریستان گذاشته  
 و تو شالان و ریش سفیدان طوائف لرستانی کما  
 با کمال امیدواری خدمت نواب معزری الیه آمده  
 چون از سو سلوک و رقا میرزا عبدالحسین مبارک  
 خود شاکلی بودند نواب معزری الیه او را عزل نمودند  
 و جایگاه میرزا علی را که بحسین سلوک معروف و امالی  
 طالب او بودند به پیشکاری نواب جلال الدین میرزا  
 منصوب و سر راه تو شالان فرود روزه نمودند و  
 امالی لرستان از نیمه کمال مسرت و شکر گذار  
 اظهار نموده بد لکرمی و امیدواری تمام روانه لرستان  
 شده و نواب معزری الیه با نظام امور هر دو بالا کرونه  
 پرداخته قرار کارهای انجمن بطوری دادند که همگی  
 آسوده باشند و نسبت بیکدیگر تعدی نکنند  
 دیگر نوشته اند که خلعت آفتاب طلعت که از جانب  
 سرکار اقدس همایون شاهنشاهی بجهت نواب مستطاب  
 جیشام الدوله مرحمت و در سال شده بود در نیمه  
 ماه شوال با انجا بر تو وصول افکنده نواب معزری الیه  
 استقبال و توقیر و احترام خلعت همایون را بعلی آورد  
 در باغ شاه ریز برود و در پیش اقتدار و مباحث  
 ساخته انعقاد سلام و صرف شربت و شیرینی نمود

و اهل سلام بدغای بقای وجود فانی بجز در بایون و  
 از دیاد شوکت دولت روز افزون میادرت نموده

دیگر نوشته اند که ناخوشی مطبوعه و محرره در بروجرد  
 زیاد بود و آنچه ناخوشی می شنید اغلب بهان ناخوشی  
 خوت میگردیدند درین اوقات تخفیف کتبی بهم رسانده  
 ولی هنوز بامده رفع نشده است

دیگر نوشته اند که در بیت و دو نیم ماه شوال  
 مجتهد العصر آقای میرزا محمود و چند نفر دیگر از علماء جمعی  
 سایر مردم که قریب چهار صد نفر بودند بجزم زیاده  
 عبات عالیات از بروجرد روانه گردیدند

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند که  
 نهایت امیت و وفور هر گونه نعمت در آن ولایت حاصل  
 و حاصل خوب بعل آمده است مگر زراعات دیم که  
 که بجهت کم آمدن باران قدری نسبت بسالیهای دیگر  
 کمتر بعل آمده است ولی سایر زراعات حبلی خوب است  
 و این اوقات در کار درخت میباشند و فانیتر  
 ربا و کاشته اند و بهتر از سالهای دیگر بعل آمده است  
 دیگر امور فرادخا بنا بسیار مضبوط و منظم است  
 و فرادخا نهی ارض اقدس بسیار منک فوج قزوین  
 سپرده است و مشار الیه بایاد و رمای خود شبها  
 در محلات و قراول خانها گردش نموده لازمه  
 حفظ و حر است را بعل می آورد و باین واسطه  
 کم اتفاق می افتد

و بکر از قرار یک تسبیح اجناس از ص اقدس را  
نوشته بودند بقرار مسطور ذیل است

کندم	یکصد و بیست و نه	پانزده هزار
جو	یکصد و بیست و نه	پانزده هزار
نان	یکصد و بیست و نه	یکصد و بیست و نه
گوشت	یکصد و بیست و نه	چهارصد و بیست و نه
برنج	یکصد و بیست و نه	یکصد و بیست و نه
پنیر شور	یکصد و بیست و نه	یکصد و بیست و نه
قدیری	یکصد و بیست و نه	یکصد و بیست و نه
نبات	یکصد و بیست و نه	چهارصد و بیست و نه
شکر سفید	یکصد و بیست و نه	چهارصد و بیست و نه
شیره خوب	یکصد و بیست و نه	یکصد و بیست و نه
روغن	یکصد و بیست و نه	دو هزار و بیست و نه
فلفل	یکصد و بیست و نه	هشتصد و بیست و نه

و خوانین و چاکران دیوانی با استقبال خلعت عالی  
شأنه لوازم توقیر و احترام را بعل آورده در  
قلعه حاجی کریم زینب پیکر مغفرت و مباحث  
خود نموده صرف شربت و شیرینی و اجرای  
سلیک توپ کرده و شب نیز با اسبش باقی  
فراسم آورده ملو از م حش و شادمانی برپا  
دیکر نوشته اند که کاشته عالیجاه مقرب الخان  
این شکر که حاصل تخواه موجب سرباز و صاحب  
فوج خلیج ساوه متوقف کرمانشاهان بود  
دارد که دیده نواب شاهزاده عمادالدوله عالیجاه  
میرزا علی اکبر شکر نویس مقرر داشتند که فوج  
در باغ حاضر ساخته و سان دیده تخواه آنها را  
تغذیه نماید و طومار پامهر گرفته تسلیم کاشته  
این شکر نمود

حمه و خوات رو کلیایکان و سمنان  
و شاهرود و عراق و فارس و  
قره قروین و قش و کاشان و کمرستان  
این ولایات نیز در این بخت اجباری بود  
کرمانشاهان

و پختن عالیجاه پیش صاحب که از دربار کابل  
بامور کرمانشاهان بود که در آنجا مشغول مشق و  
تعلیم سربازان متوقف کرمانشاهان باشد  
و از آنجا که دیده و عالیجاه جان مجروحان شکر  
فوج خلیج سرباز خود را حاضر کرده همه روزه در میدان  
مشغول مشق شدند و عالیجاه را به کمال اهتمام  
در مشق و تعلیم آنها بیند و تو سپاه متوقف  
نیز همه روزه در کار مشق اند و عالیجاه فرج الله بیک  
یا و تو سپاه اهتمام در نظام آنها دارد و کروس کرمان کسلان و  
مژدران و سایر شاهزادگان و این ولایات نیز اجباری بود

از قرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند  
خلعت مهر طلعت کابل که از دربار چهارم  
سجده نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار عمادالدوله  
حکمران کرمانشاهان مرحمت شده بود بوصول  
نواب مری الیه با اتفاق اعیان و اشراف ولایت

### اجزای دولت خارجه

در این اوقات که در دولت پور و پور و پور و پور  
 کل و استحصال آسایش دانی بجهت عموم انالی  
 از انالی ایتالیا بعضی اشخاص که با حداثت اختلال  
 و سبقت و قطع طرق مبادرت نموده و چنانی آنها  
 از حد تجاوز کرده سکته بلا دیشتر از دست تطاول  
 و شرارت انگونه اشخاص در مراتب مستد اصلا  
 این مقدمه نیز از جمله لوازم صلح محسوب  
 پارلمنتوی انگلیس سر و کبل دولت فرور با این  
 اعلان نموده است که اکنون اعتناش ایتالیا از  
 حد افزون و از مقوله طاعنی و باغی در روم از طوق  
 بیرون شده اند از جانب دولت انگلیس این سند در  
 دست است و بجهت اصلاح انحصار ف تدابیر و مساعی  
 از لوازم نماید چونکه اینگونه اختلال فوق العاده ایتالیا  
 در حق سکته بلاد و قری فقر حال و ضرر و مایه کونا  
 باعث شده است در اختتام کلمات مذکوره از  
 طرف اجزای مجلس با تفاق آرا بجهت ادخال این مطلب  
 و ایره اصلاح تعهد و جوه و تدارک سباب لازمه  
 آنرا نموده اند و دولت فرانسه نیز درین باب تعهد  
 صرف همت نموده و مجلس مذاکره درین خصوص  
 ختم شده است

۱۸۳۴

که تازه تبصره دولت انگلیس آمده است بروند  
 از اینها بقدر حد و بجهت نفر که بجهت امور لازمه در  
 وطن خود تا که زیر بودند در ولایت خود توقف  
 کرده اند و باقی کلاً داوطلب شده و با کمال  
 و اتمان وجه فرور را گرفته و عازم محل مأموریت  
 گردیده اند

دیگر نوشته اند که پادشاه انگلیس در اواخر ماه  
 ایس فرنگی با همسرای کشتیهای احتیاط بجهت کشت و  
 سیاحت دریای افریقه بجزیره مادرا  
 داشته است

دیگر نوشته اند که بجهت مصالح دولت پور و پور  
 احوال حاضره اغلب دول و قوالهای فرنگستان  
 مقام دوستی و مصافحات با یکدیگر برآمده بعضی  
 چنانچه در روزنامه های سابقه نوشته شده است  
 بیدن امپراطور فرانسه آمده اند از جمله پادشاه  
 و ارتقورقی که از همه پادشاهان فرنگستان پرترو  
 سلطنت بیشتر کرده است در این اوقات بیدن  
 امپراطور فرانسه آمده و از جانب امپراطور لوازم  
 اعزاز و احترام درباریش را بطلب آمده است

دیگر نوشته اند که در شهرت ولایت انگلیس  
 ویکی سنائی بر روی سر بنگ خود بنیاده و مخالفت نموده بود  
 جانوقت تو سخانه و سپهر نامور کرد که انتقامش  
 آنجا را رفع نمایند

دیگر نوشته اند که بقدر سحر در قسور انگلیس که از ایتالیا  
 گرفته شده و در ماله متوقف بود و بعد از فرمایش  
 به یک از آنها نهاد و بیچ لیر پول انولایت اعلان  
 به بند که با علوی و محافظت مملکت عود نمود و

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم چهارشنبه پنجم ذی قعدة الحرام مطابق سال لوی ۱۲۷۲

نزهت و استراحت و پنج

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

هر نسخه ده

قیمت اعلانات  
هر خط پنج



### اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

**ارووی هالیون**  
روابط مودت و دوستی که فیما بین دولتین ایران و فرانسه از قدیم الایام حاصل بود این اوقات بواسطه وساستان سفیر مخصوص از جانب اندولت بینه بدین دولت علیه و انعقاد عهدنامه مابین دولتین سمت استحکام و استقامت یافته است و طرفین با طهارت و ایثار کمال مودت و یگانگی نسبت بیکدیگر بطو شایسته قیام اقدام دارند این روزها علیحضرت کیوان رفیع امیر ممالک فرانسه بنا بقواعد متداوله مابین سلاطین با وول یوروپ که معتبرترین نشانهای دولت است که دلیل کمال موافقت و موالات است بیکدیگر ایستادند و نهایت اعظم نشانهای دولت خودشان را از درجه اول لژیون و نژمر صبح بالماس باخایل و لوازم بانضمام نامه مدعیه نزد جناب جلالت آبسیلور وزیر مختار و ایچی مخصوص دولت بینه فرانسه مقیم دربار دولت علیه ارسال جناب معسزی ابهراماموز بهیچ آن بانجن حضور سرکار علیحضرت اقدس هالیون

شاهشاهی داشتند و باین واسطه دلیل واضح بر این استحکام تعلیم دوستی و یگانگی مابین دولتین مبین ایران و فرانسه اقامه نمودند بعد از آنکه جناب سفیر معزی الیه را اطلاع از مراتب دادند اولیای دولت علیه نیز نظر باین اتحاد دولتین روز پنجشنبه گذشته بمقام ماه ذی قعدة در قصر هالیون میلایق نیاید و ان قرار شرفیالی جناب معزی الیه بمجلس حضور هالیون و ابلاغ علامت دوستی و یگانگی علیحضرت امیر طوری و تقدیم شرایط احترامات لازم را از اینقرار معین داشتند که عالیجاه مقرب الحضره انخاقانیه محمد حسن خان نایب ایشیک آفاسی باشی نامورا از جانب سنی امیر هالیون بامیت نفر غلام از غلامان خاصه پادشاهی و ده نفر از فرزانگان درباری بمنزل سفارت اندولت بینه رفقه جناب معزی الیه را با عالیجاه محمد حسن امیر طوری نایب سفارت که مخصوصا از پاریس حاضر شده بود و اجزای سفارت بجزور اقدس هالیون دعوت نمود و ایشان را در کمال احترام در ساعت

۱۸۳۵



بیشکنازه هایون پادشاهی که قبل از وقت بی آرام  
 و استراحت ایشان میباشده بود و در استراحت  
 مخصوص احترام این روز و سعادت آن دولت تیبی از  
 جهت و معتبرین جاگران در باره هایون با لباسها  
 رسمی در کشیکخانه مبارکه جناب معزی الیه <sup>مقتد</sup> بر  
 بعد از آرام و استراحت بحضور اقدس هایون <sup>مقتد</sup> شاهنشاهی  
 اجبار و در حالتیکه سرکار علیحضرت قوی شوکت  
 شاهنشاهی طبس لباسی که در چنین روزها رسم است  
 بودند و از شاهزادگان عظام نواب اردشیر میرزا  
 حکمران دارالخلافه و نواب علیقلی میرزا <sup>سلطه</sup> اعضدا  
 و نواب احمد میرزا و نواب المیرزا همسر پسر که ام از  
 ایشان یکی از اسباب جواهر خزانه پادشاهی را <sup>میشیر</sup>  
 سپهر مرصع و غیره که در سلامهای بزرگ رسم است  
 حاضر و واقف حضور اقدس بودند و از اجله جاگران  
 در باره هایون جنابان جلالت تابان نظام الملک و  
 وزیر امور خارجه با لباس درباری و نشان <sup>مجلس</sup>  
 در پیشگاه اقدس حضور داشتند و در منظره هایون  
 سلامی خاص از یوزباشیان و غلامان شجرت بطریقت  
 منعقد شده نواب المغانی قاجار و مقربان <sup>مجلس</sup> کشیکخانه  
 هر یک در مقام مخصوص خود شرف اند و حضور با هر <sup>مجلس</sup>  
 جناب حسرتی الیه مقربان محمد ناصر خان <sup>مجلس</sup> شکیب  
 باشی در باره هایون شرف اند و حضور با هر <sup>مجلس</sup>  
 جناب وزیر مختار در کمال آداب قاعده <sup>مجلس</sup> دانی میور  
 خود را بعد از شرفیابی باینطور بعضی رسانیده که <sup>مجلس</sup>

۱۸۳۶

بنا موریت عمده از جانب علیحضرت امیر الطوری نامور <sup>مجلس</sup>  
 این دولت علیه شده و آن این است که چون <sup>مجلس</sup>  
 دوستی بین دولتین سرحد کمال است <sup>مجلس</sup>  
 امیر الطوری بجهت اظهار دلیل مجتهد و برای <sup>مجلس</sup>  
 نشان درجه اول دولت خود مرصع با لباس <sup>مجلس</sup>  
 بلژن دتر را برای علیحضرت پادشاهی فرستاده <sup>مجلس</sup>  
 ناموریت داده اند که بلا واسطه ابلاغ <sup>مجلس</sup>  
 پادشاهی جناب معزی الیه را با عالیجاه <sup>مجلس</sup>  
 میور لژن که نام هر علامه و نشان <sup>مجلس</sup>  
 فرانسه را در میان سینی طلا گذاشته <sup>مجلس</sup>  
 پشتر خواسته نامه و نشان زیادت <sup>مجلس</sup>  
 و نایبات بلوکانه که سر او در چنین <sup>مجلس</sup>  
 مالک است بلفظ در باره تقریر فرمودند <sup>مجلس</sup>  
 دوستی خودشان را با علیحضرت امیر <sup>مجلس</sup>  
 بواسطه چنان فرمایشات و پذیرت <sup>مجلس</sup>  
 بعد از طی مکالمات جناب معسری الیه <sup>مجلس</sup>  
 حاصل نشان بهمان ترتیب و احترامات <sup>مجلس</sup>  
 اشرف امجد ارفع صدر اعظم رفت <sup>مجلس</sup>  
 لازم مکریم و احترام در حق ایشان <sup>مجلس</sup>  
 سفارت مرصع بودند <sup>مجلس</sup>  
 چون صفحات دماوند و فیروزکوه <sup>مجلس</sup>  
 بسبب خوبی آب و هوا و شکارگاههای <sup>مجلس</sup>  
 آب گرم نافع مستحسن و مطبوع <sup>مجلس</sup>  
 سرکار علیحضرت شاهنشاهی <sup>مجلس</sup>

از



گشت آن صفیات شدند در روز دوشنبه یازدهم  
 موکب فیروزی کوکب هایون از سیلاقی نیابوران  
 با قبلی از خواص و مقربان حضرت گردون بلبت  
 و بقدر لزوم از سایر خدمت و چشم بعبت و با  
 حرکت فرمودند و چون از خادمان جسم و سایر  
 نوکر چشم کماکان در سیلاقی نیابوران  
 داشت شیران فرمایش شد که توقف داشته باشد  
 لهذا هم مقرر فرمودند که عالیجاه محبت و بحدت  
 مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان سر تپ و در غیاب  
 موکب هایون مشغول نظم امر و بوده در انتظام و  
 بضابط امور محو که مراتب اهتمام خود را  
 دارد و چادر پوشش بزرگ در درب خانه زده  
 شود که مقرب انخاقان مشارالیه و یزید نوکر باب  
 در آنجا هستند روزها حاضر شده و همه روز نشسته  
 بر نظام و بضابط امور انامات من حیث المجموع  
 محو عالیجاه مشارالیه بوده و قراول خادمان  
 حرم میباید در اطاعت او باشند از نوکر باب  
 در شمر انامات باشد از اهالی و ادانی از نظام و  
 اگر خلاف قاعده اگر کسی سر بزند احتیاطیست و نباید  
 آنها با عالیجاه مشارالیه است در غیاب موکب هایون  
 در کل امور شمر انامات تسلط تمام حکومتی سوا می  
 بجالیجاه مشارالیه داده شده که در انتظام و بضابط  
 باشد و اگر کسی خلاف او نماید مورد مواظده خواهد  
 شد مقرب انخاقان میرزا علی بنقی آقا شریف سعید در  
 اندرون است باید تمام اعیان اطاعت او را نمایند

و اوسم از احوالات اتفاقیه اندرونها و نواب مستطاب  
 شاهزاده اعظم و لیعهد مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان  
 اطلاع بدید  
 چون از قدیم فیما بین دولتشین و منی گتین ایران  
 و فرانسهم مراد است و ملت برقرار و با قضا  
 وقت سفر از جانب دولین قوی گتین بدر بار جانین  
 مامور میگردد و درین عهد فیروزی مهدیر خانبخت  
 سیو بوره وزیر مختار و الهی مخصوص اندولت بهیه  
 از جانب سنی ارجانب اعلیحضرت امیر اطور فرانس  
 مامور در بار این دولت علیه گردید و این دوستی  
 مراد زده قدیم بانقضاء معاهده دوستی و تجارتنی فیما بین  
 این دو دولت قوی گتین سمیت است حکام بدین وقت  
 بر حسب اراده علیه هایون بجهت مزید دوستی و مسالمت  
 جناب جلالت آسایین الملک فرخ خان هندو قدرا عالی  
 با وصف الهی کری کبیر از طرف قرین شرف اعلیحضرت  
 اقدس هایون شاهنشاهی خلد الله سلطانه بانامه  
 هایون مامور بدر باران دولت فخریه گردید  
 و دوشنبه ۱۱ از دربار هایون مخصر شده بانامه مقصود  
 و نیز ماموریت مخصوصه و جداگانه با داده شده که بدین  
 دولت قول شوکت عثمانیم روانه شده و  
 ابلاغ نامه مخصر علامه هایون از جانب سنی  
 اعلیحضرت اقدس شهر یاری با علیحضرت  
 کیوان رخت سلطان دام سلطانه نموده  
 مکتوبات خاطر هایون را که شفاه پنجاب الهی کبیر انفا شده است

۱۸۳۷

۱۸۳۷

بلا واسطه با بجن حضور علیهم السلام تسلیم نماید و  
 بدین واسطه مبانی دوستی و یکجستی قدیم که بین این دو ملت  
 برقرار و استوار بود بیشتر استقامت و استقامت  
 پذیرد  
 چون مقرب انخاقان ذو الفقار خان حاکم قلم و  
 در انجام خدمت ایوانی و رفاه حال رعایا مراتب  
 خدمتگذاری و حسن اتمامات خود را مشهور و محفوظ  
 اقدس بایون شاهنشاهی و امنای دولت علیه  
 شایسته و سراوار رحمت ملوکانه آمده در این وقت  
 منصب حیل و شغل بنسب استیفا از قرار فرمان  
 مبارک سرفراز گردید  
 چون عالیجاه مقرب انخاقان محرم علیجان بیجاغ  
 همواره اوقات از محاسن خدمات خود در امور  
 فارس و انتظام بنادر آنجا خصوصاً بندر عباسی که  
 تفصیل آن در روزنامه‌های آینده نوشته خواهد  
 و وصول و ایصال قطب‌الیات دیوانی خاطر اقد  
 بایون شاهنشاهی و امنای دولت علیه را از خود  
 و خوشنود داشته مستوجب حمیت مجید دانند لهذا  
 در این اوقات یک قطعه نشان از درجه اول پیر  
 مقرب انخاقان شرایعنا بت گردیده و فرمان  
 مهر لعلان مبارک هم درین باب شرف صدور یافت  
 چون مقرب انخاقان عیسی خان بیکر بیجاغ  
 و حسن کفایت در انجام خدمات دیوانی معروف  
 اقدس بایون شاهنشاهی و امنای دولت علیه را  
 خدمتگذاری و رعیت‌داری او و ثوق و اعتماد تمام است

۱۸۳۸

لهذا در این اوقات مقرب انخاقان مشارالیه را بجا  
 ملایر و تالیسکان بموجب فرمان مهر لعلان مبارک سرفراز  
 و از جانب سنی انجانب ملوکانه یک ثوب جنبه ترمه  
 دوز پنجیره با و خلعت حکومت حمیت گردیده این  
 روز در روانه مقصد میشود  
 چون عالیجهان حاجی محمد حسین و میرزا احمد امین بیجاغ  
 قزوینی و سایر برادران و مشو بان ایشان که از خدمت  
 معتبر این دولت علیه میباشد و در اکثری از بلاد  
 ممالک محروسه و در بعضی از بلاد خارجه عامل و سر یک  
 و عناد دارند و داد و ستد ملوکانه همواره از جانب دیار  
 دولت علیه خدمات که با آنها رجوع شده و فرمایشات میشود  
 چنانچه باید وید از عهده برمی آید و اولیای دولت علیه  
 نیز ایشان را دائم مقتر و سرفراز فرموده و میفرمایند لهذا  
 در این اوقات نیز حسب الاشاره العلیه و طاقه شال  
 کشمیری بعالیجهان مشارالیه محض از راه حمیت خلعت  
 التفات و عنایت گردیده و فرمان مهر لعلان مبارک  
 سرفرازی ایشان صادر شد که مایه افتخار آنها شده و بر  
 مراتب اعتبارشان بیفزاید و با کمال امیدواری بشاغل  
 تجارت و رعیت خود بردارند  
 عالیجاه مقرب انخاقان زین العابدین خان کروس که مدتی در درگاه  
 بایون بود در این اوقات از آن مرخصی حاصل نموده و محض حمیت ملوکانه  
 یک ثوب کلبه از طوس بن مبارک جنبه سبابت او حمیت گردیده و عالیجاه  
 علیه صا خان پیر او بموجب فرمان مبارک بنیابت حکومت کروس سرفراز  
 و مواجب در حق او حمیت گردید  
 و از اختلاف طهران  
 سجد کمال امنیت در در اختلاف حاصل است واری تازه  
 نیست که در روزنامه نوشته شود

سایر ولایات  
 از بایجان آیین ولایت درین مهله اجاب  
 استرآباد  
 از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند  
 کامل در امور آن ولایت حاصل است و رعایا در  
 در کمال سودگی بدعا کونی ذات اقدس بملکون  
 شاهنشاهی اشغال دارند و امور وظایف کوکلان  
 و بیوت احسن مراقبت مقرب الخاقان جعفر قلینجان  
 ایلیخانی در عین انتظام است عالیجاه امیر کونزخان  
 خواهرزاده خود را درین روزها وار و غلطایفه  
 میوت کرده و بمیان طایفه مزبور فرستاده  
 و ادوستان ولایات دیوانی میباشد و طایفه  
 کمال خدمتگذار بر اینهاست که در فرود از آنها که  
 در کنار دریا میباشد کماهی جبال آنها مکتب هر  
 بنا بر عادتی که طبیعی آن وحشی خصالان است میبود  
 بعد از آنکه ریش سفیدان آنها مطلع میشوند از خوف  
 مقرب الخاقان ایلیخانی در مقام اعداد برآمده رفیع  
 از جمله درین روزها دو نفر توپچی را با یک نفر کرد  
 که عوض مورین قلعه سلطان آباد میرفتند در راه گرفت  
 و برده بودند عالیجاه میرزا اسحیل خان پیشکار استرآباد  
 پس از استحضار از بابت تمام حجت شرعی ریش سفیدان  
 طایفه مزبور نوشت مصحوب کلا نهر استرآباد در  
 نموده بود بوصول نوشته و ورود کلا نهر آن سالان  
 اظهار خبری و ندامت و برگشتن این عمل را سرسخت

مذوره سر سفره آوردند در استرآباد تسلیم نمود  
 در جهت کردند  
 دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان جعفر قلینجان ایلیخانی  
 این اوقات از بخجورد عازم استرآباد بود و بین  
 خبر رسیده بود که ترکمانان که سمت قلعه را زعم  
 تاخت نموده مقرب الخاقان مشا را لیه با سواره  
 که همراه داشته است بکلوگیری سواره گرفته  
 و هنوز خبری رسید است که با آنها چکرده باشد  
 دیگر نوشته اند که در اوقاتی که مقرب الخاقان  
 در بیرون بخجورد اردو زده بود ببری قوی بیکل  
 نمایان شده خود پیاده متوجه او شده درین بین  
 یکی از غلامان اسب حاضر کرده سوار شده و بزرگ  
 بپر که رسیده بود لشک با و خالی کرده جان تیر  
 اول کار کرده و بپر طاک شده لاشه او را با  
 دیگر نوشته اند که اسب شجرت کم آمدن باران  
 حاصل استرآباد چون اغلب شلتوک کاری است و  
 آب ریاد لازم دارد و مانند سایر ایلهای دیگر ریاده  
 رعایا از معنی بی اچکله پریشان خاطر بوده اند  
 میرزا اسمعیل خان خودش چند روز سبزه داشت  
 خالصه رفقه و ارس و اهتمام در امور زراعت و  
 فلاحیت انجام نموده رعایا و زارعین را دلگرمی داد  
 و قنوت خالصه با قرار داد مقیم نمایند که آب  
 ریاد بشود و امور آنها را قیتم کرده مر حاجت نمود

۱۸۳۹

### اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند بواسطه  
 مستطاب حشمت الدوله حکمران اصفهان درین  
 اوقات چنانچه در روزنامه سابق نیز نوشته شد  
 در باب تعمیر عمارت دیوانی آنجا اتمام نموده  
 از جمله عمارت علی قاپی چون معظم عمارت است و  
 شکستگی در تالار او بهم رسیده بود تعمیر از اول  
 دانسته آلات و ادوات تعمیر از مقرر داشتند  
 که فراسم آورده با کمال استحکام بازند و  
 سایر عمارت دیوانی نیز هرکجا تعمیر لازم داشت  
 حسب احکام نواب معزی الیه بنا و عمده انداخته درگاه  
 تعمیر میباشند و سرایداران و باغبانان را بجهت  
 خواسته و بیان و مقرری در مسوولت آنجا  
 نموده و در حفظ عمارات و باغات و غرس آنجا  
 تاکیدات آگیده نمودند و بهم چنین در ترقیه مادیات  
 و نظم زراعات خالصه و غیره بسیارترین هر محل  
 قدغن طبع نمودند و از قراریکه در روزنامه اصفهان  
 نوشته اند امسال آب زاینده رود چینی بیشتر از  
 سالهای دیگر است اگرچه در وقت طغیان خرابی  
 بزراعات و طواغین اطراف رسانده بود ولی  
 این اوقات که آب زیاد مطلوب است نموده  
 و نذر آب است و بعضی از نهرها که سالهای دیگر  
 درین موسم ایشان مقطوع می شد و امالی آنجا  
 عسرت از کم آبی می کشیدند امسال از وفور آب  
 خرسندی و تشکر را دارند

۱۸۴۰

دیگر نوشته اند که در شب بیست و هشتم ماه رمضان  
 محترم حسن نام ولد محمد علی باغ بد رانی که بسین  
 ساله بود سنجانه محمدرحمتین نامی عطار رحمان بود و  
 دیگر نیز در آن معانی بوده اند صبح آنجا از آنجا  
 دیوانه بیرون آمده و معلوم نبود که در غذا کجا  
 برده اند بعضی میگویند که بیخ گفت که غلغلی است مشهور  
 و بخورد هر کس بدیندیوانه می شود باه و خوراند  
 مراتب بعضی نواب مستطاب حشمت الدوله که رسیده  
 و ستاند آن شخص عطار را که صاحب خانه بود با  
 حکامان آورده حکم بحبس آنها نمودند تا بعد از  
 مقتضای عدالت حکم آنها را بفرمایند  
 دیگر نوشته اند که شخصی از اهل کاشان در این اوقات  
 روز سنجانه های مردم میرفت و دزدی میکرد  
 و از خانه های متعدد اموال و اسباب سرقت کرده  
 و کسی بی بعل او برده بود صاحبان مال عارض شده  
 و نواب معزی الیه قدغن آگیده بداروغه و که خدایان  
 نمودند که حکم باید دزد را بدست بیاورند آنها نیز  
 سجد در مقام تقصیر و بخش برآمده بعد از دو روز او  
 با اسبابی که تازه سرقت کرده بود دستگیر کرده  
 نواب معزی الیه آوردند اسباب و اموالی که مرور از  
 خانه های مردم برده بود از او استرداد و صاحبان  
 اموال تسلیم گردید و خود او را محبوس نمودند تا بعد  
 اگر اسباب سروقه از او برور کند دریافت  
 کرده بصاحبش رد نمایند بعد از آن او را نیز از  
 خود برسانند

بروجرد و بسطام و خراسان و سمنان و  
خوار و کلایکان و سمنان و خراسان  
و فارس و قزوین و قمش و کاشان  
و کرمانستان و کرمان و کرمانشاهان  
و کرس ازین ولایات نیز درین بنفقه اخبار  
بنو

کندان

از قراریکه در روزنامه کیلان نوشته اند امور  
من حیث المجموع قرین انطظام و انضباط است  
هرگونه نعمتی و افزواری است و تمام رعایا بدو  
دات اقدس هایون شاهنشاهی و کس و کار خود  
مشغول میباشند در سال گذشته نظر بعضی حواری  
و رفصل نوغان تجارت و داد و ستد ابریشم  
قدری کمتر گشته و برای خریداری ابریشم تا جریم  
کم آمده بود اما سال نوغان بسیار خوب آمده و خریداری  
ابریشم نیز از هر طرف زیاد آمده اند و در بهار  
اسودکی مشغول خرید و فروش ابریشم هستند و  
منظور اما سال از پار سال ده یک بلکه ده دو ترقی  
دارد و مکان هست که برای اربابان و رعایا منفعت

بشتر رعایا بدو

دیگر نوشته اند که خلع آفتاب شعاع نوروری که  
امیرالامراء اعظام معرب انخاقان عمید الملک حاکم کیلان  
و عمال داعیان ولایت از دربار شوکت ابر شاهنشاهی  
رحمت و مصحوب فرخ بیک تفنگدار القاده شده بود  
با پنجاه پرتو وصول افکند معرب انخاقان مشایر

با اعیان و اشراف و عسوم انالی لوازم استقبال  
و توقیر و احترام را تا محل خلعت پوشان خارج  
شهر رشت بعل آورده خلع خویشید شعاع هایون  
ریب برود و شش معاشرت و مباحثات خود

ساخته با بنا تیسرت بدعای وجود فایس  
اقدس هایون شاهنشاهی اقدام نموده

دیگر نوشته اند که در میت و نغم ماه سوال  
سیرمه انزلی بجهت انجام و انتظام امور  
استاد محمد تقی معمار را که از دربار هایون

بار وید و بر اور و بنانی باسیان و عمارات  
آن سرحد بود و با دو نفر نویسنده بیاز و یک  
مرئوس که گشته و کمال دقت و رسیدگی نمود

صورت بار وید آنها را نوشته آورده اند که در بار  
هایون روانه نماید و در انجام اسباب و آلات  
صوریه بجهت حمل و نقل کارخانجات که از حاجی ترخان

می آورند اهتمام وافی بعل آورده موازی و وسیله  
فرزند کرجی علی حساب معرود است گرایه نمودند و وجه  
گرایه را نیز پیش دادند که شکام رسیدن اسباب کارخانجات

بدون معطلی حمل و نقل نمایند و چند فرزند لاکه که بجهت  
حمل و نقل سیلاب بر رک باید ساخته شود چهار فرزند  
با تمام رسید و آنچه نیز باقی مانده قریب با تمام  
مازندران و ملایر و سنبل و سواد و...

ازین ولایات نیز در این بنفقه اخباری بود

۱۸۴۱

یزد

از فرار یک در روزنامه یزد نوشته اند نهایت  
 امانت و انتظام در آن ولایت حاصل است و  
 و بر ایاد عای وجود فایض وجود اقدس جانان  
 شاهنشاهی شتعال دارند و مقرب انخاقان  
 نایب الحکومه کمال اتمام در انتظام امر ولایت و  
 رفاه و آسودگی رعیت دارد عالیجاه میرزا شفیع  
 در هفتم ماه مبارک رمضان وارد یزد گردیده  
 و بهات دیوانی و محاسبات ولایتی مشغول  
 و مقرب انخاقان نایب الحکومه با حضرات عالی  
 و که خدایان بلوکات آدم فرستاده است که یکی  
 با اسناد دیوانی بیزد آمده حساب سینه نامه  
 به وازند

۱۸۴۲

دیگر در روزنامه قصبه عقد نوشته بودند که در راه  
 فیما بین یزد و شن و خاک اصفهان تخمیناً هفتصد نفر  
 شتر بار تباکو و خزما از کر میرات عبور می کرده  
 سی سوار بختیاری بعزم دردی بسر راه آنها آمده  
 و بنای زرد و خور را گذاشته بودند اهل یزد و شن  
 خبردار شده بامداد قافله رشم و دو نفر از بختیار  
 به بیرگوله روزه بودند در دامن بختیاری چون صبح  
 در جنگ ندیدند همین قدر کرده بودند که دو نفر  
 خور را برداشته و در کمال خذلان خواری فراری  
 شده بودند و هم در روزنامه بنقله دیگر نوشته بود  
 که کاروانی از یزد بقرظین میرفت شش فرسخ از عقد  
 که شصت نفر سوار بختیاری بسر راه آنها آمده

با هم بنای دعوار گذاشته بودند درین بین از  
 صدای تفنگ اهل آبادی آن نزدیک خبردار شده  
 بامداد کاروان رفته ولی تا وصول آنها در دامن  
 دو بار قماش از کاروان برده بودند بعد از آنکه  
 دیدند امداد بکاروان رسید بهمان دو بار قماش  
 اکتفا کرده و برده بودند شبانی در راه دزدان  
 دیده و شناخته بودند زینل نامی بوده است از  
 متعلقان کنجلی خان بختیاری بود و سپرد و برادر  
 رانده که در وانه اصفهان ساکن اند این روزها که  
 نواب حمت الله در حکمران اصفهان کنجلی خان یا  
 که مشغول سمرقند و فسا بودند گرفته اند این اشخاص  
 که سواران او هستند بگوها فراری شده و قطع  
 میشوند مقرب انخاقان نایب الحکومه یزد بعد از  
 استحضار باین گزارش عریضه خدمت نواب  
 حمت الله در نوشت که رفع آنها را نیز بنمایند و  
 از خود هم سوار بآن راهها مانور نمود که محافظت قافله  
 و تردد بین را کرده باشند

دیگر نوشته اند که بعضی از کسب و اصناف یزد  
 که از راه تغلب سبک کم چیز میفرجند مقرب انخاقان  
 نایب الحکومه یزد آنها را تنبیه مضبوط کرده و داد  
 سنگ این بچار درست ساخته هر نمودند و کسبه  
 دادند و قدغن شد که اگر بعد ازین بفر از آن  
 چیزی بفر و شنند مورد مواخذه و جریمه و سزا  
 باشند و از این مرحله الی یزد زیاد شکر کرده  
 به عاکوئی اقدام و آسود خاطر شدند

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه بیستم شهریور ۱۲۷۲

نزد چیت و شتر

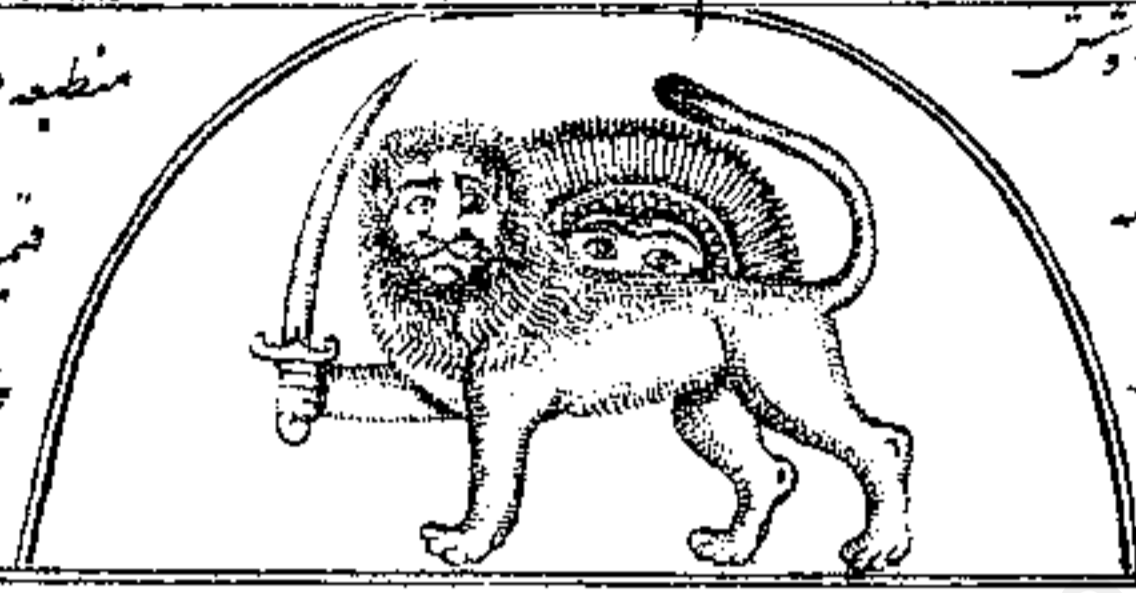
قیمت روزنامه

پنجاه شاهی

منطبه دارانخانه طهران

قیمت اعلانات

هر خطی شش



## اجبار داخله مالک محروسه پادشاهی

### اردوی هایون

مؤکب سیروزی کوکب سرکار علیحضرت آیدس هایون  
 شایسته ای که از میدان بیادوران شریف فرمای صفحات  
 دماوند شد در یوم عادی قعه در مایج و میان  
 که دماوند تزلزل اجبال فرموده اند و بر وجود فایض  
 هایون بجهت بسیار خوش میکند و هوای آن صفحات  
 در بردت و خرمی که درین موسم مطلوب است مستغنی از  
 توصیف و بیان است و از قرار که چاهار از غلین باره و  
 هایون وارد شده و صورت تشریفات و احتراماتی که  
 از جانب کارگذاران دولت همیشه رسیده از تکام حرکت  
 از وزارت سلطنتی بطریق الی و رود دار السلطنت  
 سفارت کبری معمول افتاده و بادلیای دولت علیه  
 معروض داشته بودند از اینقرار است که درین روزنامه  
 مستور میگردد  
 روز حرکت از بطریق جناب سیوسینا و بن معاون امور  
 خارج و جناب سبولیوف ناظم امور خارجه آستانه جامع  
 اجزای وزارت امور خارجه و بیکریکی شهر بطریق که از

بزرگان دولت روسیه و جنرال اجودانت با شرف  
 حساب با جمیع اجزا و صاحبان دایره خورشان  
 در عمارت متعلقه سفارت کبری حاضر شده و یکفوج سوار  
 را در رم که سواره حساب هستند و بغیر از علیحضرت  
 امیر اطور و خانواده سلطنت برای احدی حاضر نشدند  
 عمارت صف کشیده بودند و کالسکه مخصوص علیحضرت  
 هم برای جناب جلالتاب عمده الامراء العظام سیف الملک  
 ایچی کبیر دولت علیه و کالسکه دولتی دیگر بجهت اجزای  
 کبری حاضر کرده بودند پس از انقضای مراسم در بان وودا  
 با جناب سیوسینا و بن کالسکه امیر اطوری نشسته روانه  
 این شد فوج سواره نیز بعد از ادای احترامات نظایه  
 در وقت شده قسمتی از پیش و قسمتی از عقب آبراه این کمال  
 توقیر و احترام سفارت کبری را رسانیدند جمعی از جنرالهای  
 و بیکریکی و رئیس احتساب و اجزای وزارت امور خارجه تا  
 راه این شایع نموده و یکفوج سوار هم در همراه این بابیه  
 و موزیکان حاضر کرده بودند با بیدق و شمیر و موزیکان  
 احترامات نظایه بعل آورده سلام زدند و کالسکه بخاری که

از نام

تاریخ

۱۸۴۳



مخصوصاً علیحضرت امیرطور و خانواده سلطنت است  
 سبب جناب معزنی الیه و بجهت اتباع سفارت کاسکهای  
 دیگر حاضر بودند در سنگ مندرس که با شش تعمیر  
 راه آهن است آمد از جانب علیحضرت امیرطوری  
 ماموریت خود را نمود که تا مسقوباید داخل اتباع سفارت  
 بوده مواظب کاسک سنجار باشد از نظر بویع الی مسقود  
 منزل عرض راه که کاسک سنجار یکت میکند یک نفر  
 با شیرینی حاضر بود و هر چه سبب زوال بود حاضر  
 باطن و موزیکان احترام نظامی می نمودند سکام و مسقو  
 بیکر کی شد و ریس کل احتساب که هر دو جنرال معتبری  
 با اکری از جنرالها و اشراف شد مسقوباباس سبی  
 حایل و نشان تمام در سر راه آهن حاضر بوده در  
 محل آورده فوج سوار و ران درم نیز که در بیرون  
 صف کشیده بودند پس از آنکه جناب معزنی الیه سوار  
 کاسک مخصوصی که فرما فرمای مسقوفتاده بودند  
 احترام نظامی محل آورده با کمال انتظام در اطراف کاسک  
 روانه شدند کینیا ز ابانتکی که یکی از اکابر و ریس  
 و علامت پیشرفت خاصه حضور علیحضرت امیرطور است که  
 میگویند از جانب علیحضرت امیرطوری ماموریت  
 سفارت کبری در ایام توقف مسقو بود در سر راه آهن  
 حاضر شده تبلیغ ماموریت خود را کرد و همچنین سبب  
 اجودان فرما فرمای مسقو بود از جانب جناب معزنی  
 ماموریت ممانداری بود آمده تبلیغ ماموریت از جانب  
 فرما فرما نمود و تهنیت ورود گفت بعد از آن روایت  
 در جمیع فراوانها که در هر سفارت کبری بود فراولها  
 دو مقابل کرده احترامات نظامی معمول می شد و در

۱۸۴۴

معا بر و گو چنانعموم مردم از دعای کرده نکلا بهای خود  
 بر و آیتا شده بودند در مقابل در ب عمارت که منزل  
 سفارت کبری و بهترین عمارت مسقو بود کیفوج سربازان  
 افواج خاصه با بیدق و موزیکان حاضر کرده بودند  
 آن ادای احترامات نظامی با بیدق و شمشیر و موزیکان  
 نموده را بورت داده پس از آن جمیع سربازان و بزرگان  
 و روسای دیوانخانه با لباس رسمی در در ب عمارت  
 مراسم پذیرائی محل آوردند روز دیگر جناب معزنی الیه  
 اجرای سفارت جناب فرما فرما و ملاقات نمودند در  
 عمارت جناب فرما فرما جمیع سرداران و جنرالها و  
 از ارباب شمشیر و قلم یکی با لباس رسمی حاضر بودند  
 از در ب عمارت و پده و او طاقها تا زال بزرگ  
 شان و منصب از دو طرف صف کشیده و استاده  
 تعظیم و احترام و پذیرائی معمول می شد و جناب  
 بلخی کبری نیز به یک علی قدر مرتبه اظهار محبت و مهربانی  
 خود فرما فرما در رفتن و مراجعت تا سر بله استقبال و  
 شایع کردند بعد از مراجعت بمنزل بلا فاصله جناب فرما  
 با همان لباس و باهد سر کردای بزرگ آمده باز دید  
 محل آوردند در ایام توقف مسقو و دهانی با کسکین  
 فرما فرما سبب جناب معزنی الیه ترتیب دادند از تجار معتبر  
 که صاحب کارخانه بودند و از جانب علیحضرت امیرطور  
 حکم شده بود که کارخانههای بزرگ را جناب معزنی الیه  
 نمایند سبب تاشای کارخانه چند دهانی سکین ترتیب  
 و در هر یک از کارخانهها از متاع همان کارخانه پیشکش  
 سبب علیحضرت امیرطور شهر باری و عارف برای جناب  
 معزنی الیه حاضر کرده بودند حقوق احتراماتی که در مراجعت

سفارت کبری معمول میشود میتوان گفت که زیاده بر آن  
 متوقع نیست و در دوستی دولتین چیزی فروگذار نمی  
 حکام حرکت از سقونیز فرما نفر ما خود با جمیع جنرالها و  
 ولایت بمنزل جناب ایلیچی کبیر آمده و دواعی شوند و با همان  
 احترامات روز و روز اکثری از جنرالها و بزرگان تاکنون  
 شهرت یافت نموند بکنفران و ان فرما نفر ما با حکام  
 و بلوکات عرض راه تا انتهای خاک مسقو و اول خاک  
 طول مسراه بودند و در هر منزل لوازم میزبانی معمول  
 و در جمیع منازل بزرگ پست خانه تاپشت خانه دیگر  
 بود و در اول خاک طول لایک نفر اجودان حاکم با حکام  
 بلوکات عرض راه آمده تا ورود طول در منازل لوازم  
 میزبانی مرعی کردند و این قاعده در جمیع شهرتانی  
 تظلیس معمول بود در شهرتانی عرض راه که عبارت از  
 و وار و ژ و توچر کس و استوار پول باشد حاکم  
 ولایت و جنرالهای بزرگ با بنجما و روسای هر شهر  
 علاوه بر احترامات خارج العاده در دخول و خروج  
 آنجا استقبال مشایعت نمودند و در هر شهر مکانی با آن  
 ترتیب دادند با آنکه وقت تاشا خانه که نستان است  
 منقضی شده بود محض ورود سفارت کبری تاشا خانه  
 ترتیب داده بودند و در هر شهر در حین ورود آنجا  
 فرج سواره ژان درم در بیرون شهر با حکام و سایرین  
 صف می کشیدند و در مقابل درب منزل هر چه از قشون  
 در شهر حاضر بود از پیاده و سواره و توپچی با بیدق  
 و موزیکان با خنرال و سربازک حاضر شده احترام  
 معمول میداشتند و با بیدق و تمسیر تعظیم کرده سلام میدادند  
 و روزنامه و راپورت شهر و قشون را سر کرده و در

جناب سنجاب جلالت تائب ایلیچی کبیر میدادند و در  
 عرض راه هر جا که قشون بود حاضر میکردند و با بیدق  
 موزیکان احترام نظامی بعل می آوردند و در قفقاز  
 در حقیقت مثل سایر شهرتانی آباد نیست بلکه شهر کوچک  
 نظامی است که سکنه آن کلا سرباز و توپچی و قزاق  
 در شهر موزیکان حاکم شهر و هر چه صاحب منصب بود  
 استقبال کرده هر چه از نظام در شهر موجود بود در  
 مقابل عمارت با بیدق و موزیکان حاضر شده بود  
 و احترام نظامی معمول داشتند سردار بزرگی که سی سال  
 عا کر آن سامان است در چند فرسخی ولایت و قفقاز  
 اردو مشغول نبوده و فرستادن قشون بود بر لکزیه  
 محض ملاقات جناب معزی ایله آمده با لباس رسمی  
 دیدن نمود و جناب معزی ایله هم عصر آنروز بیارید  
 رفتند و حکام حرکت از ولایت قفقاز هر چه قشون از  
 پیاده و سواره و توپچی در شهر بود در مقابل منزل  
 سفارت که میدان و کسبی بود با بیدق و موزیکان  
 حاضر شده همان سردار سابق الذکر آمده مشغول  
 و حرکت د فیلد از پیش جناب معزی ایله گذشتند  
 سردار خود نیز محض دوستی و اشنائیت مانند سایر  
 صاحب منصبان حالت تعظیم داشتند و جناب معزی  
 هم میان قشون آمده اظهار مهر بانی به آنها نمودند  
 جمیع شهرتانی علاوه بر حد با بنهای دیگر در باغهای شهر  
 بجهت گردش مردم ساخته اند چه افغان نموده موزیکان  
 حاضر کرده کا و مردم از زن و مرد حاضر میشدند  
 و بنجای شهر آمده جناب معزی ایله را تاجاشای باغ  
 و اجتماع مردم میدادند علاوه بر احترامات معمول شهر

۱۸۴۵

در شهر نوچوکس و استوار پول و تخلص اجرای  
 شلیک توپ کرده بیت یک تیر توپ انداخته  
 شد از استوار پول الی تخلص بجهت احتیاطی که از  
 جماعت لگزیه دارند در هر پشت خانه قدر سیصد  
 سواره قزاق حاضر بودند که عوض می شدند با سوار  
 و صاحب منصبان خود از طرفین کالکهای آمدند و  
 نفر قزاق با شمشیر برهنه در دو طرف کالک جناب  
 ایلی کبیر بودند در هنگام عبور کوه قفقاز علاوه بر سوار  
 هندس صاحب منصبان او که مواظب تعمیر راهها  
 چند نفر سرباز و صاحب منصب دیگر با حاکم آن نواح  
 و ضابط بلوکات در سر راه حاضر بودند تا تخلص  
 مواظب کالک جناب معسری ایلی میشدند و در شب  
 و فرار یکی پیاده می شدند با سواره بطوری کالک  
 حرکت می دادند که گویا در سردستی می آورند در  
 یک منزلی تخلص اجودان جناب جانشین آمده  
 ورود کتفه روز و تخلص در یک فرسخی شهر  
 سرداران و سپه داران و اکابر ولایت با فوج  
 شان درم و سواره که خود جانشین بعد از سفر  
 ترتیب داده که مخصوص خود جناب معسری ایلی  
 با صاحب منصبان خود رسیده پذیرائی نمودند و  
 خبر آنها و سرداران سواره در اطراف کالک کبیر  
 و عموم مردم شهر زن و مرد با طبل و علم پیروان  
 بودند هر متی از مسلمان و عیسوی و یهودی دست  
 ترتیب داده بودند رعایای دولت علیّه ایران نیز  
 با مقرب انجان خان میرزا محمد حسین خان قونسول خیرال

دولت علیّه استقبال نموده بودند رعایای دولت  
 علیّه بایر مسلمانان از یکفرسخی شهر کبشتن قربانی و اطفا  
 شادمانی شروع نمودند تا باغی که در نیم فرسخی شهر  
 چهل ریس کوسفند و کبیر ریس کا و قربانی کردند در  
 باغ هم جناب خیرال ایلی مباشر امور خارج با جمعی از سواران  
 و سیکلری و روسی شهر استقبال گنجانی و میوه و شیرینی  
 حاضر کرده بودند در آنجا پیاده شده بعد از صرف  
 عصرانه اجودان جناب جانشین آمده از جانب جناب  
 معسری ایلی تهنیت ورود گفت و کالک مخصوص خود  
 که بصحبت اجودان مذکور برای جناب ایلی کبیر و چند  
 کالک دیگر بجهت اجرای سفارت سری فرستاده بود  
 سوار شده روانه شهر شدند بقدری از دهام شده  
 بود که در حوالی باغ پشت باغی که بقدر شصت فضا  
 در بالای آن بودند خراب شده احدی با حدی ایلی  
 فوج سواره شان درم و در پیش رو سواره جناب  
 از عقب بزرگان و صاحب منصبان سواره در اطراف  
 کالک جناب معسری ایلی بودند تا وارد شهر شدند  
 در هنگام ورود چنانکه سمت ذکر یافت بیت و یک  
 توپ از قلعه تخلص انداخته شد در عمارت جناب  
 کینیا زبیدوف که بهترین عمارت تخلص و در کنار  
 رودخانه کرواق است و بجهت ورود جناب معسری ایلی  
 خالی کرده بودند پیاده شدند در میدان مقابل عمارت  
 یکفوج سرباز از افواج خاصه بابیدق و موریکان صف  
 نظامی کشیده با همه صاحب منصبان که در حضور  
 تخلص با سواران فرمانده قشون تخلص که خیرال معبر

۱۸۴۶

و بالباس بسی در سر فوج استیاده و فرمان آفرین  
 نظامیه پیدا و با بدق و شمشیر مورگان اختر لعل  
 آورده سلام زدند و را پورت قشون را داده  
 صاحبان را معرفی نمود در دربار عمارت تبرال  
 یورسیلوف که پارسال بسم سفارت بدارحکله  
 آمده مراجعت نمود با چند خیرال و یکرم عسوم  
 دیوانی آنها استیاده بودند مراسم پذیرائی معمول  
 داشتند بعد از ورود و اوطاق یک نفر اجودان جناب  
 جانشین با شیرینی و چند کلدان کل آمده از جناب  
 معزی الیه تهنیت درود گفت فردای آن روز خیرال  
 لیلی با قویکی آمده و اجودان جناب جانشین کالک  
 مخصوص جناب معرفی الیه را آورده داشت نفر سواده  
 مخصوص که در دید و بازدید رسیده همراه کالک  
 جناب معزی الیه میرود حاضر نمودند جناب جانشین  
 با جمیع اجزای سفارت و خیرال لیلی و سایرین ملاقات  
 جناب جانشین رفتند در دربار عمارت جانشین  
 شهر با چند نفر از صاحب مضبان بزرگ استیاده بودند  
 از سر پله تا اوطاق پنجم که محل ملاقات بود در آن  
 همه سرداران و خیرالها و روسای ولایت و صاحبان  
 از اهل شیر و قلم بالباس بسی از دو طرف صف  
 استیاده بودند و در شکام عمورالچی کبیر تعظیم می نمودند  
 در اوطاق دو تیم جناب کینیا زهید و ف استقبال کرد  
 و اطاق چهارم جناب جانشین خود استقبال کرده و ملاقات  
 پنجم رفتند جناب جانشین سرداران و خیرالهای بزرگ  
 معرفی کردند و جناب لیلی کبیر هم اتباع سفارت

معرفی نمودند بعد از صرف شیرینی و چایی و سایر  
 طرذومات مجلسی برخواستند جناب جانشین تا پیش  
 جناب معزی الیه را بخت کرد و گفت جلاله که شما  
 دیدم هر قدمی که با شما بر میدارم غنیمت می شمارم  
 بیکریکی شهر با چند نفر از خیرالها جناب معزی الیه را  
 تا کالک که شایسته نمودند خیرال لیلی با اجودان جناب  
 جانشین جناب معزی الیه را تا منزل مسراسی کردند  
 بعد از ورود منزل جناب جانشین بلافاصله با جناب  
 کینیا زهید و ف و جمیع سرداران و خیرالها مبارک  
 جناب معزی الیه آمدند بعد از صرف چایی و کدشتن  
 سایر لوازم درباری مراجعت نمودند روز دیگر جناب  
 بیازید جناب کینیا زهید و ف و سایر نظام  
 قفقازیه و خیرال یورسیلوف و خیرال لیلی قشند روز  
 چهارم جناب جانشین تهنیت دهانی بزرگی دید جناب معزی  
 و اتباع سفارت را دعوت نمود جمیع سرگردان و  
 اعظم و عسوم صاحب مضبان از ارباب شیر و قلم  
 دهانی سر لور حضور داشتند جناب جانشین جناب معزی  
 مقدم بر خود نشاندند بعد از صرف غذا منزل مراجعت  
 نمودند  
 موجب اخباری که در دهانی از اردوی تایلون رسید  
 روز یکشنبه مقدم خاطر آه سس ملو کانه میل متوجه  
 و سواری فرموده بکنار دریاچه که در نزدیکی اردوی  
 تایلون در میان کوه واقع است تشریف فرما شدند  
 و جناب جلالت آت شرف انچه که هم صدر اعظم محرم  
 نیز با جمعی از چاکران دیوانی در آن روز طرز تمکاب  
 تایلون بودند و بعد از صرف نهار نزدیکی لغروب

۱۸۴۷

مرحبت بارد و فرمودند در آرزو از تماشای آن  
 دریاچه و هوای آنجا که یکسوی طراوتی داشته است بر  
 مبارک بسیار خوش گذشت و روز سه شنبه نوزدهم  
 سرکار عالی حضرت شاهنشاهی مجدداً تماشای دریاچه  
 تشریف برده بهار را در آنجا صرف نموده تا عصر در آنجا  
 تشریف داشتند و بعد از صرف عصرانه و چای  
 بار و فرمودند  
 اردوی بیاوران و صفیاب سمران که سپرد  
 مقرب الخاقان محمد ابراهیم خان سرباست کمال  
 نظم را دارد مقرب الخاقان مشارالیه و سایر  
 دیوانی هر یک مراقب و مواظب کار و خدمت خود  
 میباشند چند روز قبل ازین تراسی در تشریف  
 افتاده بود مقرب الخاقان محمد ابراهیم خان خود  
 حسب احکام سوار شده با تشریف و رسیدگی نمود  
 بعضی را که مرکب شرارت شده و مقصر بود تندی  
 تا دیب بفرمانند

و اراخلاف طهران

هوای دارالخلاف طهران نسبت بهفته های سابق  
 گرمتر است ولی ناخوشیهای تفرقه بسیار کم  
 و ناخوشی مشهور و با بسیار کم میباشد بطوریکه بعضی  
 روزها هیچ بروز نمی کند بعضی روزها یک نفر یا دو  
 نفر از غریبا که پرستاری ندارند از هرزه خورا  
 باین مرض تلف می شوند دیگر سجد آنگاه کمال منتظام  
 در دارالخلاف حاصل است و هر چیزی فراوان و از  
 خصوصاً میوه جات و حبوبات و گوشت نهایت فوراً

دار و بطوریکه هیچ سال در این موسم اینگونه غزوات  
 و آرزای و در اراخلاف حاصل نبود و اما فی واقع  
 سکنه دارالخلاف از وضع و شرف در کمال است  
 و فراغت بدعا کوفی ذات اقدس همایون شاهنشاهی  
 اقدام دارند در حول و حوش شهر چند نفر از اهل  
 و متفرقه مشغول دردی و بهر زکی بودند قرا سوره های  
 آنها را گرفتند خدمت نواب مستطاب برادره  
 اردشیر میرزا حکمران دارالخلاف آوردند حسب احکام تیسر

شدند  
 دیگر نوکر عالیجاه بیکر صاحب صاحب سفارت دولت  
 روس کینه از فضای خود را شب در زکند منزل خود  
 همان کرده بود شبانه پیره همان برخواستند یک  
 سباب از عالیجاه بیکر صاحب در دید بطهران آورده  
 و به کتان خود سپرده خود فوری و پنهان شده بود  
 عالیجاه بیکر صاحب استحضار مراتب اظهار داشت  
 عالیجاه زکیخان که خدا حسب حکم در مقام تفحص بر آمد  
 بدون کسر و نقصان از گمان آن پیره تبصره فرستاد

عالیجاه بیکر صاحب داوه قیص رسید گرفت  
 از تاثیر تربیت عمده همایون و دولت روز افزون گردان  
 در دارالفنون اغلب در فن خود مهارت کامل حاصل کرده اند  
 از جمله حاجی میرزا محمد علی جراح نام که عمل ید در نزد مقرب الخاقان  
 حکیم پولاک حکیم باشی تحصیل کرده از فطرت و مراقبت مهارت تمام  
 بهم رسانده اعمال به از دست او بخوبی جاری می شود از جمله این  
 سنگ مشایخ نوه عالیجاه ضیاقلینان لادباشی را بی عیب و نقص  
 بیرون آورد و یکمضعیفه استقاد است شتر به پهلوی  
 او زده پنج شش من آب از جای شتر انداخته شده حال  
 بنا بخرید و مواظب است

۱۸۴۸

### سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در روزنامه تبیین  
نوشته اند خلعت مهر طلعت هایدون که بجهت نواب  
مستطاب بنزاده والای تبریزه آله دوله حکمران  
آذربایجان حجت شده بود با بنجا پر تو وصول <sup>نکند</sup>  
در بیست و دویم ماه سوال نواب معزی الیه لوازم  
استقبال و توقیر و احترام خلعت خورشید طلعت را  
بعمل آورده در باغ شمال خلعت پون کرده صرف  
شربت و شیرینی و اجرایی شیلیک نمودند و او  
خطبه بنام اقدس هایدون و ختام بدعای از دنیا  
دولت و شوکت ابد مقرون نموده سلام <sup>سقطی کرد</sup>

دیکر نوشته اند که امسال در صفحات آذربایجان  
قدری غله گران بود و مردم تشویش داشتند و  
از نفعات الهی بارانهای پر نفعیت در موسم  
باطراف و جوانب باریده رفع تشویش خلعت  
و با انفعال غله در آنجا فراوان وارده

دیکر نوشته اند که فوج ارویل و مشکین ابواجیم <sup>لیجا</sup>  
حسنعلی خان سرمنگ در بیرون شهر تبریز چادر  
مشغول مشقتند و منتظر حکم میباشند  
فوج قراجه داعی ابواجیم عالیجاه مقرب <sup>قلنجان</sup>  
سیرنج در تبریز منتظر ورود حکم از دربار هایدون  
و فوج خوی ابواجیم عالیجاه ابراهیم آقای سیر  
ماکونی در و اول خانهای شهر مشغول <sup>حفظ</sup>  
و خراست میباشند

### استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند کمال  
و انتظام در آن ولایت حاصل در عایا و برایا در عین  
فراغت و آسودگی برعتی و کسب و کار خود و دعاگو  
دات اقدس هایدون شایسته ای استعال دارند  
و عالیجاه میرزا اسمعیل خان شیکار استرآباد نهایت  
دقت و رسیدگی در نظم ولایت و رفاه و آسودگی  
رعیت دارد و با املی آن ولایت از اعلی داد <sup>ظهور</sup>

مجت و در بانی سلوک مینماید  
دیکر نوشته اند که خلعت خورشید طلعت هایدون  
که بجهت عالیجاه میرزا اسمعیل خان حجت شده بود  
در عتبه ذیقعد احترام پر تو وصول با بنجا <sup>لیجاه</sup>  
مشا را الیه لوازم استقبال و توقیر و احترام را بعمل  
آورده خلعت هایدون را ریب برود و ش <sup>فتحا</sup>  
و بمایات خود نمود

دیکر نوشته اند که دو نفر طفل یکی پسر و دوازده سال و  
کوچکتر از فریه امیر محله بیرون شده از پی علف رفته بودند  
در راه چند نفر از شرار و قطاع الطریق ترکمان بانها <sup>خو</sup>  
و هر دو را گرفته با و به خود برده بودند در آنجا طفل <sup>بکتر</sup>  
فرضت کرده اسبی سوار شده و طفل دیکر را تبرک خود  
کشیده فرار نموده بودند درین بین با و به دیکر <sup>رسید</sup>  
ترکمانان آن او به اسب را گرفته و طفلها را رها کرده بودند  
طفالان پیاده بر راه افتاده در راه تشکی بانها <sup>علیه</sup>  
سیر چاهی رسیده بودند بند زیر جابوهای خود را بهم  
بسته و زیر جابوهای راجاه فرو برده و بالا کشیده <sup>فشر</sup>

۱۸۴۹

استبانه خورده رفیع عطش خود را کرده و براه افتاد  
 بودت باز در راه شدت تشنه بودند و آن  
 طفل کو چکر از تشنگی پلاک شده بود آن یکی دیگر منزل  
 رسیده کن او را خبر کرده بود رفته در صحرائی  
 نفس طفل را پیدا کرده بمنزل آورده دفن نمود بود  
 دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان معبر قلیخان اینجانی  
 بعد از تبسم ترکانان با عقیقه بچگونه در رفته و قرار داد  
 بود که چند نفر از ریش سفیدان آنها بچگونه داده  
 اسیر که در میان آنها هفت و نود و آنچه اسیر نیز که  
 اینجانی از آنها گرفته است و نماید و گوی مختبر  
 چنانچه طایفه موت و کولکان ایل و عیت مستد آنها  
 باشند و تاخت و تاز و هرزگی را موقوف نمایند  
 تا رعایای آن صفحات اسوده خاطر باشند چندی  
 فقط آنها بود که آمده بقرار مذکور ام خود را بگذرانند تا  
 در بنده سم ماه شوال خبر رسیده بود که باز ترکان  
 تکه بنای هرزگی و خیال خود سری دارند و در محل فرق  
 که صحرائی است پر آب و علف جمعیتی فرسب آورده  
 اراده چپاول صفحات خراسان را دارند و از  
 قرار مذکور بقدر دوازده هزار سوار جمع شده بودند  
 مقرب الخاقان اینجانی بعد از استماع این خبر آدم بر  
 راه و گذرگاههای آنها جمه جابراولی فرستاده که  
 آن آنها از هر طرف محقق شود خبر به بند که بمقابل  
 شتاب و چند نفر بزمیان طایفه کولکان فرستاد

۱۸۵۰

سواره آنها را احضار کرده بود که رسیدن خبر  
 از وقت پانزده روزه خود را برداشته در جلگه تاز  
 که در دو فرسخی بجنورد است بار دو ملحق شوند عالیجاه  
 باقرخان سرتیپ سواره چکنی زیاده طالب منگدر  
 دولت نفر از سواره او که اسبهای خود را و الا  
 بچه که داشته و فریب کرده بودند احضار نمود و دست  
 نفر دیگر که در استر اباد بودند آنها را نیز خوانسته بود  
 نامه مقرب الخاقان اینجانی گفته بود که آنها دورند و با  
 نخواهد رسید با بهن حجت که موجود است با قبایل  
 بیروال شاه شاهی جمعیت تکه را اگر بیت هزار نیز  
 باشند از پیش بر میدارم و در روز نوزدهم شوال  
 با سواره و استعدادی که داشت روانه نامه شد  
 که اگر ترکانان تکه آمدنی باشند بچک آنها برود و اگر  
 نیایند بچمن کاپوش آمده در آنجا توقف نماید تا وقت  
 بروت هوا و منظور از آمدن کاپوش آن است که به  
 استر اباد بچگونه هر دو نزدیک باشد و نیز چون چمن  
 سخون باب و علف فراوان است اسبهای خود را  
 فریب نموده مستعد کار باشند  
 دیگر نوشته اند که در صحرائی کولکان تله خاکی در لب  
 آب کرکان واقع است آب پهلوی او را شسته کالبه  
 قوی بیگل نمودار کردید از قرار مذکور از سوراخ سخون  
 که شش یک آدم تو نمذ میگذرد و علیقلی سلطان نام  
 سلطان فوج قدر سک با چنه نفر از اهل زبان محال  
 قدر سک تماشای رفته و یک دزدان او را آورده  
 که قدر یک من نیمه بر وزن داشته



# روزنامه وقایع اتفاقیه

منصبه دار الحکله و طرا

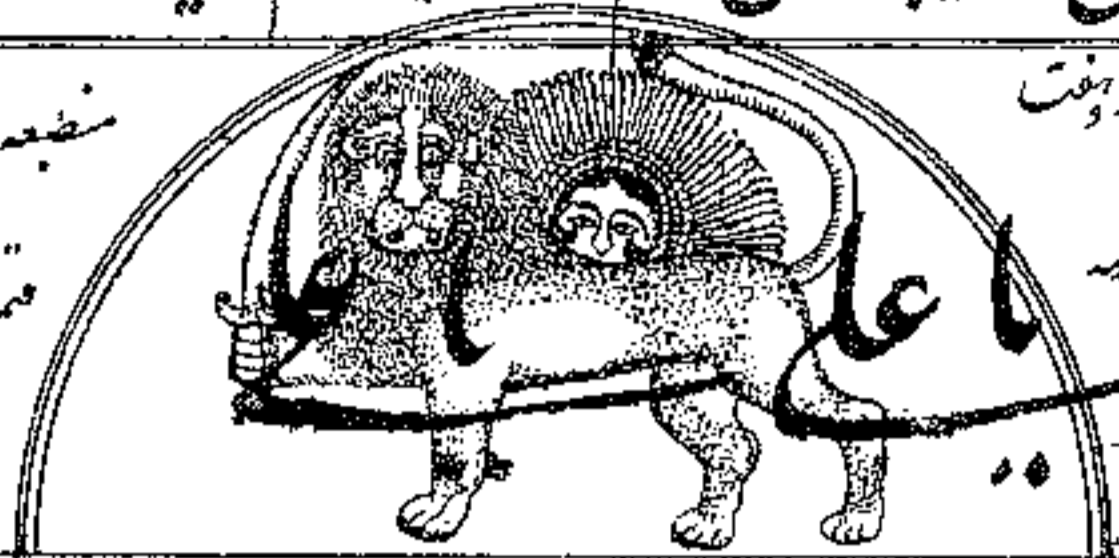
مزه و شاد بخت

قیمت اعلاست

قیمت روزنامه

به طریقی

هر نسخه شش



## اجبار واحدا ملک محروسه پادشاه

### ارووی بهالون

بموجب اجباری که در سبت و یکم این ماه از اردوی  
 بهالون سید علی حضرت آقاقدس بهالون شاهنشاهی  
 در بهان چمن چند او کنار رودخانه نواحی مایج  
 اعمال و ماوند تزلزل اجلال دارند و سجه خوبی  
 آب و هوای اینجا که مطبوع است سخن خاطر ملوکانه  
 افتاد است تا آخر این ماه عزیمت توقف در اینجا  
 دارند بعد از آن تشریف فرمای آفری کرده از اینجا  
 معاودت بار دوی بیوران خواهند فرمود بی سخته  
 و قیام علی حضرت امیر اطورد دولت فرانسه محظوظ  
 اظهار علاقت کمال دوستی خود نشان لژیون  
 مکمل بالماس از مرتبه اول را برای سرکار  
 علی حضرت شاهنشاهی خلد الله سلطانه هدیه رسان  
 دارند چنانکه تفصیل آن در ضمن روزنامه هفته  
 گذشته قلمی شد بافتضای کمال دوستی و حسن محبتین  
 ایران و فرانسه چنان شایسته دیدند که نسبت  
 بجناب شرف ارفع صدر اعظم دولت عالیتر

که در استحکام بنای مودت و لیسین مرتب خیر خوا  
 و حسن نیت بتقدیم رسانیده اند بطرز خاص دلیلی  
 از نشود می خاطر بهالون اقامه نمایند و همچنین از  
 جناب جلالت تآب نظام الملک نیز که صدق عقیدت  
 و پاکی طویب شان نسبت بهرد دولت درجه  
 کمال دارد تقدیمی فرموده باشند لعمد الله  
 نشان ایشان لژیون دیکری از درجه اول برآ  
 جناب شرف امجد ارفع و دیکری از مرتبه ستم بجهت  
 جلالت تآب نظام الملک لصحاب عالیجا محبت  
 میولژن که حامل نشان برای سرکار علی حضرت  
 آقدس بهالون بود ارسال و عنایت فرموده بود  
 جناب جلالت تآب میولژر و وزیر مختار دولت  
 فرانسه و عالیجا محبت امیر امیر لژن تآب  
 سفارت فرمای آن روز که جهت اطلاع نشان علی حضرت  
 شاهنشاهی شرفیاب حضور آقدس شد کمال  
 مودت و دوستی بنزل جناب شرف امجد ارفع  
 هر دو نشان را بتوقیر کام بجناب صدارت پناهی

۱۸۵۱

جناب نظام الملک ابلاغ داشته و ایشان لوازم  
 تعظیم و تکریم از دلایل تقدمات خاص علیحضرت  
 امپراطوری لعل آوردند و همچنین چون عالیجا پسر  
 میرزا عیسی خان مشی اول وزارت امور خارجه و عیسی  
 فطانت سسر میرزا ملک خان مترجم مخصوص دولت  
 علیه در انعقاد عهدنامه مبارکه مابین دوین سنتین لوازم  
 سعی و جهد را در حد شکنداری لعل آورده بودند برای  
 هر یک از آنها نیز نشانی از درجه نیم لژیون دیز  
 از جانب علیحضرت امپراطوری اعطا و عنایت شده  
 بود جناب وزیر مختار در بهمان مجلس جناب ارمغ  
 شرف امجی تسلیم نمودند و آن مجلس بشرایط موافقت  
 و یکجائی مابین ایشان و جناب وزیر مختار ختم شده  
 ما احترام تمام مراجعت بمنزل سعادت نمودند اسکونه  
 رسوم و آداب و لیل واضح است که مابین دوین  
 شوکت دستگاه و اولیای دوین کمال کجوتی و کجوتی  
 حاصل است و روز بروز این معنی احسن نسبت امنای  
 دو دولت درازداد خواهد بود  
 اردوی نیاوران کمال نظم را دارا و مقترب انجا  
 محمد ابراهیم خان میرزا و اول وارد ملی امیر  
 و توپچی در اردوی نواب سطا بنزاده عظیم  
 و بعد دولت علیه و خادمان حرم و هر جا که لازم است  
 گذاشته بجز است و قراولی مشولند و خود مقترب انجا  
 مشارالیه نیز شهبازان نزد یک صبح در کزدش  
 بقراولها میا و نهایت اهتمام در نظم تمام شهبازان  
 و سواران قراوران در راهها گذاشته اگر سرفتی افتاد

بیتد سارق دستگیر شده تبسید می شود از نجه در  
 کاشانک از خانه عالیجا پسر زاهدی مستوفی آشی  
 و اسبابی سرقت شده بود یک ساعت صبح مانده  
 همان دزد را در زیر رستم آباد قراولان گرفته با  
 سر و قد نیز مقترب انجا خان مشارالیه آورده بود  
 وقتی که کسان عالیجا پسر زاهدی بجهت اجبار این سر  
 آمده بودند اشیا سر و قد بدون کسر و نقصان از  
 دزد مسترد شده و موجود بود تسلیم کسان مشارالیه  
 قبض رسیدگی دریافت گردید در شهر سهرتی داد  
 که در اردوی نیاوران ناخوشی و با است بعد از  
 تحقیق آنچه معلوم شد دو سه نفر از خارج ناخوش بود  
 با بنجارفته بوده اند فوت شده اند و با افضل  
 بیچک از دانات شیران کجالت ناخوشی نسبت  
**و اختلاف طهران**  
 کمال آفت و اضطراب در دار الخلافه مبارکه حاصل است  
 و هر کوی چیز فراوان و ارزانت هوا نیز در این روز  
 که باد خشک در دزدانست قفاولی کرده اصول شده  
 حرارت شکسته و با اعتدال آورده است ناخوشی  
 بقراریکه در روزنامه گفته شد هم نوشته شده بسیار  
 کم ظهور دارد بعضی روزها و صبح یک از محلات حمیری  
 نواب سطا بنزاده و آلا را در شیر میرزا حکمران  
 و مقترب انجا خان سز اموی کمال اهتمام در ان نظام امور انجا  
 دارند و عالیجا خان کلانتر و که خدیان در سرکار و خدمت خود  
 مراقبت و عهده الامرا العظام محمد خان امیر تومان در امور نظام  
 و نظم قراولان رک و شهر و امور کجوتی که خود مراقبت تمام دارد

۱۸۵۲

در روزنامه های گذشته در واد ب سیر کیم دولت علیه این الملک  
 فتح نال بالامبول نوشته شده بود موجب اخباری که درین روز  
 بعضی ادیای دولت رسید کیفیت عزیمت جامع می آید برای این  
 نامه هایون علیحضرت بنامهای حضور علیحضرت سلطان  
 اودام تقدایام جلالتها ازین فرار بوده است  
 روز یکشنبه ششم شهریور سال اول که جناب این الملک را با تذکره  
 رسیده برای شکلاش حضور علیحضرت سلطان دعوت کرده بودند  
 پانزده ریس سلطان و در واد ب حضور خود علیحضرت سلطان  
 با زین و براق طلا ساعت در قرانج در سفارت سینه حاضر کرده  
 نظیر اخوانی وقت نفر دیگر در نزد سبهای مذکوره بودند  
 و وقت رسم از نایب قوا سبهای با بعالی آمد ساعت در واد  
 شش از سفارت سینه جناب سینه که این الملک یکی از سبهای  
 سلطانی سوار شده خان وزیر مقیم صاحب مضبان سفارت گری  
 هم سوار شدند ازین جدید که در روی دریا واقع است مرور کرده  
 از سفارت سینه الی سری علیحضرت سلطان بعد نیم ساعت راه  
 داشت همه این راه از دو طرف دکاکین و خانه و آبادانی بود  
 راه بقدر بیت جا وونی نهایی عسکر و جنبطیه بود کلا این روز  
 این الملک صفت سلام میکردند تکام رسیدن در بادل  
 علیحضرت صاحب مضبان سفارت سری سوای از جناب  
 این الملک خان وزیر مقیم از سبها پانین آمد و در پهلوی جناب  
 این الملک راه میرفتند در در ب دوم جناب این الملک هم از  
 نزول کرده بقدر ده نفر عسکر با لباس پاکیزه بسیار استوار  
 گرفتند کلا بیک تشریفاتی در آنجا استقبال نمود همینکه از در  
 دویم داخل شده عمارت خوبی بود مشرف بدیو و بیرون عمارت  
 یعنی در محوطه عمارت بقدر صد نفر عسکر با لباس پاکیزه نظامی

پیش فک کرده سلام گرفتند حین داخل شدن عمارت مذکوره بود  
 بیت نفور و کجا بچی خاص سلطان با لباس شصت کسیده با  
 موریکاهای نقره آلات که مخصوص سلطان است تعظیمات نظامیه  
 اوردند بعد از دخول عمارت کامل بیک تشریفاتی رسید بیک تشریف  
 و عاصم بیک که در دار الخلافه طهران با لباس رسمی پیش افتاد  
 از پدگانها با لارفتند آنجا صفت بود بسیار بزرگ جناب فواد باشا  
 ناظر امور خارجه در وسط صفت با لباس رسمی لازمه پذیرائی را بکار  
 و با لاتفاق داخل اطاق بزرگی شدند جناب این الملک را در صفت  
 اطاق نشاندند خان وزیر مقیم هم در دست چپ جناب این الملک  
 بقاصد بیک صندلی نشاندند در آنجا بعد نیم ساعت اقامت کرده  
 این الملک با جناب ناظر امور خارجه صحبت و نه میکردند چوق و قوه  
 آوردند تمامی چوق و قوه و طرف قوه مرصع بود جمیع اشیاء سفارت  
 در آنجا بودند همه آنها چوق و قوه دادند بعد از صرف قوه چوق  
 تشریفاتی آمد حضور علیحضرت سلطان دعوت کرد از آن عمارت  
 الی موقی که خود علیحضرت سلطان تشریف داشت در بوقت  
 بود جناب ناظر امور خارجه درین وقت همسر جناب این الملک  
 راه میرفتند خلاصه از آن عمارت که بیرون شدند داخل یک  
 گردیدند در آنجا بقدر صد نفر عسکر و نفر سرنگ با لباس شصت  
 پاکیزه پیش فک کرده سلام گرفتند از آنجا که گذشته بیک در  
 بزرگی بود از آن در ب داخل یک باغچه و سبب شدند که در میان  
 آن باغچه حوض بزرگی واقع و طرف شرقی باغچه دریا و طرف  
 دیوار و محلی بود که سر سردیوار را با این موقی ساخته و میان  
 آن انواع قشام درخت میوه ترتیب داده بودند و حوض وسط  
 اطراف باغچه مشتمل با انواع گل و ریاحین بود در دم در ب اول  
 علیحضرت سلطان با پنج نفر اقران خود با لباس رسمی پذیرائی  
 کرده

۱۹۹۰

بعد از اجرای تعظیم پیش جناب این الملک قنادند در آن	بود در صدر آن یک فرس سبزی زیر پای اعلیحضرت
با پنج پدگان بزرگی از سنگ مرمر بود عدد آن پدگان بقدر	سلطان فرس کرده بودند اعلیحضرت سلطان در روی آن
پد بود از جانبین در گوشه هر یک یک نفر از اول خاص	فرس مهر با استیاده بودند نشان مرضی استمال کرده و
که عبارت از بیت نفر باشد از پایش تا بالا صف کشیده و	یک لباسی از روی الب خود پوشیده بودند که در آن
کلی پوشیده و کلاه سرخ که نو ظهور است و از فخل رقیب داده	سردست و پنج آن مریض دستگیر مریضی بسته بودند جناب
بر سرشان گذاشته و هر یکی یک المتی در پیش روی آن کلاه	این الملک اتباع سفارت کبری همه با الب رسیده و بطا
زده و طبریز در دست استاده سلام گرفتند از آنجا که در	از رواق که داخل شدند بقاعده ایران لازمه تعظیم را اجرا
شدند در دم در بباشن مابین چی که شیک آقاسی باشی باشا	داشتند و بعد چند قدمی که پیش رفتند تعظیم نموده استاده
نشان و لباس رسمی با چند نفر استقبال کرده با کمال	جمع اتباع سفارت هم آنها یک اهل نظام بودند نظامی تعظیم
بعد از اجرای تعظیم پیش جناب این الملک قنادند آنجا	کردند و موافق قاعده و آداب صف کشیده استاده و مذا
بود بزرگ در دو طرف آن صف از غلامهای خاص سلطانی	فیما بین اعلیحضرت سلطان و جناب این الملک بقدر چنان
با لباس کبود صف کشیده و بشیرن کلاه سرخ گذاشته و	بود ناظر امور خارج در طرف راست در نزد جناب این الملک
زده استیاده بودند سلام گرفتند از آنجا که مرور کردند یک	استیاده خان در زیر مقیم هم بدو قدم فاصل از آنجا
و سطلی رسیدند که پر دمای زنبوری او بران کرده بودند در آنجا	این الملک استیاده بود و جناب این الملک بعد از حاضر
بقدر نیم دقیقه همه شکاف مرون آمدن اعلیحضرت سلطان	در حضور اعلیحضرت سلطان و معروض داشتن تقریراتی
شد بعد از آنکه داخل شده از اول در بپدگان بود	که بابت ابلاغ ماموریت خود را بان واسطه گاید نامه جان
تا بالا علی التحمین بقدر پنجاه پدگان بالا رفتند در نصف راه	اعلیحضرت شاهنشاهی را بلا واسطه خود با اعلیحضرت سلطانی
از جانبین پدگان بود یعنی دو تن شد آنجا موقی بود صف	ابلاغ نمود اعلیحضرت سلطان هم از آنجا یک استیاده بود
دقیقه بزرگی آن صف را پوشیده بود یعنی سقف آن صف مثل	یعنی از روی همان فرس یک قدم پیش آمده نامه جان
قبه از بلور سرخ بود و عکس آفتاب که بان قبه افتاده بود	با دست خود از جناب این الملک گرفت و در نزدیکی اعلیحضرت
محو خط و هر چه در آنجا بود از افاق و ایوان و اشیاء غیر	سلطان نیز بسیار خوبی گذاشته بودند نامه جان
از عکس آن سرخ رنگ شده و چیز بسیار غریب منظره	بناظر امور خارج دادند و اشاره فرمودند بروی همان
طرف صف غلامها صف کشیده سلام گرفتند از پدگان که	نیز گذاشتند اعلیحضرت سلطان از سلامتی ذات محبت
رواقی بود بسیار خوب از آن رواق اعلیحضرت سلطان	سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی سؤال فرمودند جناب
شد بعد از آنکه از رواق که ششده اطاق بزرگی صف	این الملک عرض نمود در وقتی که کمال میل را با زده یاد

۱۹۹۱

اعلیحضرت سلطانی دستند این بنده را نامو فرمودند و بعد  
 احوال جناب این الملک سوال فرمودند که آیا درین سفر جناب  
 ایلی خان خوش گذشت است یا خیر جناب این الملک  
 نمودند که از شدت شوق زیارت اعلیحضرت سلطانی در  
 نهایت خوشحالی و انبساط قلبی مسافت نموده تا باین سعادت  
 جلیل مشرف شدیم بعد ذلک اعلیحضرت سلطان فرمودند که  
 نهایت امان و مسرورت از دیدن تو گرامی معتبر اعلیحضرت  
 پادشاه ایران دارم جناب این الملک عرض نمودند که قدر  
 منزلت این بنده بواسطه درک شرفیابی حضور اعلیحضرت سلطان  
 بعد ازین در خدمت اعلیحضرت ولی نعمت خود هم شتر از سابق  
 خواهد شد اعلیحضرت سلطان بواسطه این بیان مطبوع خاطر  
 پسندیدند و فرمودند و بعد ذلک اعلیحضرت سلطان تهنیت  
 جناب ناظر امور خارجه احوال خان وزیر مقیم را استفسار  
 فرمودند و خان وزیر مقیم هم اجرای تعظیم را عمل آورد و بعد  
 مخصی شده بعد از بیت دقیقه یکم واقع گردید از اول  
 الی آخر اعلیحضرت سلطان سر پاهستاده بودند جنین هم  
 هم با کمال ادب تعظیم نموده با بنباشن بین چی و غشی اول  
 و تشریفاتی و سایرین پیش جناب این الملک افتادند  
 از زمان پله کانه که پائین آمدند بیک طاق بسیار تکلف  
 کردند در دم در بطاق بعد از بیت نفر از غلامهای  
 سلطانی با لباس کبود و کلاه سرخ و ابله دار هستاده سلام  
 گرفتند جناب این الملک ناظر امور خارجه و جمیع اتباع سفارت  
 داخل طاق شده در آنجا هم بعد از پنج دقیقه اقامت کرد  
 شربت آوردند و صرف نمودند و بعد ذلک برخاستند و بر سر  
 آن طاق جناب ناظر امور خارجه با جناب این الملک و خان

۱۹۹۲

وزیر مقیم و سایر صاحب منصبان سفارت خدا حافظ نمودند  
 باز اشیکاقاسی باشی و غشی اول و سایرین پیش افتادند و تا  
 دم در بآخری محوطه عمارت آمدند از آنجا اشیکاقاسی باشی  
 تکریم کرده خدا حافظ نمودند از پله کانه های مرمر پائین آمده در عمارت  
 باز غشی اول بار تعقیبش تا دم در بآخر پیش افتادند و در  
 موقعی که در بالان گذور شده است عسکرها و سایر خدمتگزاران  
 میگردیدند در دم در دوم غشی اول و کامل بیک تشریفاتی باقی  
 تعظیم نموده خدا حافظ کرده فرستند جناب این الملک با خان  
 وزیر مقیم در دم در دوم سوار شده اتباع سفارت تا دم  
 در باولی در پهلوئی جناب این الملک بودند در آنجا سوار  
 شده ساعت در قرار نه وار و سفارتخانه مبارک گردیدند  
 مقرب انخاقان محمد یوسف خان سر تپ حاکم میزد و عالیجناب  
 میرزا شفیع وزیر بزرگ باذن و اجازت اولیای دولت عالیته  
 بتعمیل عتبه علی غزمت کرده بودند در این اوقات وارد دریا  
 جها نندار تاپون گردید جناب مستطاب اشرف ارفع مجد  
 صدر اعظم مستعین ای در و دم مقرب انخاقان مشارالیه از اول  
 و دو لبگان خودشان با استقبال فرستاده با نهایت احترام  
 وارد شده اول خدمت جناب اشرف ارفع رسیده با خط  
 کمال عطف و مهرانی سرافراز و بعد از آن شرفیاب حضور  
 اقدس بکاپون شاهنشاهی گردیده لازم حضرت ملوکانه در حق  
 مقرب انخاقان مشارالیه مبذول افتاد  
 در روزیکه تمثال پیمثال حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه  
 ریب پیکر تاپون اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله علیه سلطانه  
 محض الثفات و محبت در حق امیر الامراء العظام مقرب انخاقان سر  
 کل عا کرفا هر یک یثوب بلیجه زرمه استر فر که از لباسهای مخصوص

مبارک بود بمعزی الهیه رحمت و عنایت مشهور بودند  
 چون مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله بموارد  
 محسن خدمتداری و کفایت و کاردانی خاطر اقدس مایون  
 شاهنشاهی و امشای دولت علیه را از خود خرستند و در خصوص  
 در شیلان جشن شان مبارک مثال بمثال حضرت مولای  
 مومنان سلام الله و صلواته علیه که از جانب جناب شرف  
 ارفع باد رجوع شده بود از عمده مجالس صیافت خوب  
 لهذا مورد عنایت جدید آمده با عطای یک اصله چوب  
 سر مرصع که از لوازم شغل حاجب الدوله و یکی او بود قرین افشار  
 مباحات آمد

چون عالیجا به نتیجه تبحر این العظام مقرب الخاقان محمد ابراهیم  
 سر تپ افواج فریدن و سه دبی همیشه در خدمات متحول  
 مساعی مشکوره مرعی داشته بطور شایسته از عمده خدمات  
 جان نثاری برآمده بود و افواج ابواب جمعی خود را در کمال سکوه  
 و نظم و آراستگی نگاه داشته بود خدمات او بوجه حسن در  
 مایون اعلی حضرت شاهنشاهی مقبول و مستحسن افتاده فوج چهار  
 اصغیان را نیز علاوه بر افواجی که داشت با او اجمع فرمودند  
 که افواج ثلثه اصغیان سپرده با او بوده در کمال سکوه و آرا  
 نگار دار و فرمان مایون هم درین باب شرف صدور یافت  
 عالیجا به میرزا مهدی قمشلی نظام که بکمال شایسته نظام و تبحر آرا  
 مراتب استعداده و شایستگی ایشود و بطور خاطر اقدس مایون  
 شاهنشاهی و اولیای دولت علیه گردیده در این اوقات از  
 فرمان مهران مبارک منصب جلیل نثار اول عساکر قاهره  
 خطاب مستطاب خانی سرافراز گردید

عالیجا مقرب الخاقان آقا جانخان سر تپ فوج بهادر  
 چون در مایونیت عربستان و محسره خوب خدمت کرده  
 و نواب مستطاب ام الدوله حکمران عربستان و لرستان  
 و بختیاری و بروجرد اظهار رضامندی از حسن خدمات  
 مدبر مایون نموده بودند محض مرحمت ملوکانه یک قفسه  
 شمشیر تمام براق طلا با فرمان مهران سبزه اوزی ادر  
 مستطاب

و همچنین عالیجا مقرب الخاقان محمد ادرخان سر تپ فوج  
 نیز در مایونیت آن صفحت از عمده انجام خدمات متحول  
 سبوح خوب برآمده و نواب مستطاب ام الدوله را از حسن  
 خود رضی و خرستند داشته بود لهذا از جانب  
 ملوکانه یک قفسه شمشیر کرمانی اعلی برسم خلعت با در  
 کردید

چون عالیجا مقرب محسره العلی حاجی محمد علیخان حاکم کنگار در نظام  
 ولایت و انجام خدمات دیوانی و حسن سلوک بازو آرومتر درین  
 مراتب اتهامات خود را مشهور و خاطر اولیای دولت قاهره  
 بودند درین اوقات لغو فرمان مبارک با فتحار مشا رالیه  
 صد و بیست و یک قفسه شمشیر ترم از جانب خاص برسم خلعت در حق ادر  
 کردید  
 عالیجا علی قاسمی سر تپ فوج و نایب اچودان باشی چون  
 در کمال صداقت و اتمام مشغول خدمت بود فوج کمره را از فرمان  
 فرمان مبارک سپرده او فرمودند و حسب الامر مقرر  
 شد که متجلا بکرمات رفته مشغول سرپرستی فوج مایون  
 که مامور نجات بشود

سایر ولایات

۱۹۹۳



### اصفهان

### بروجرد و عربستان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند فوج چهارم که  
که نامور فارس بودند وارد اصفهان شدند و نواب سبط  
شاهزاده و الا تبا حجت الدوله حکمران اصفهان ملاحظه  
اراستگی آنها را نموده مور تخمین شدند و بعد از دو روز  
در اصفهان روانه فارس گردیدند

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته اند در یوم دهم  
شهر ربیع الاول فرستاده عالیجاه مقرب حضرت انجمن  
میرزا ربیع مستوفی خدمت نواب مستطاب شاهزاده و الا تبا  
خان میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان تختی  
وارد و مرده فتح بهرت را رسانده بود نواب معتمدی الدوله  
کیطافه شال کشمیری بزرگانی بگردن فرستاده منزل بود

دیگر نوشته اند که قات قریه گوشتک من اعمال بلوک باین  
از جمله قرار منظم است و چند سال بود که نواب بی آب و  
باعث خسارت دیوان و پریشانی رعایا گردیده بود عالیجاه  
مقرب حضرت میرزا کی پیشکار اصفهان حسب حکم نواب شاهزاده  
از شهر صفر سنه ما ضیعه تا اواخر شهر ربیع الاول بده بسته

در باب فتح بهرت با فتح نواب معتمدی الدوله شرف حاصل  
در حرم آبا و دینی بر تو و وصول المذخره نواب معتمدی الدوله  
سلام جشن و شادمانی مستعد نموده و در هر سه روز اجزای  
توپ نموده و نقاره خانه شادمانه نوحه مستعد و صحیح ولایات  
ابو ایچچی خود اخبار نمودند که سه روز نقاره شادمانه بنوازند  
و شلیک توپ نمایند در همه اولایات حسب الامر معمول است  
بلوارم جشن و شادمانی برود خاصه در محله که سه روز بلوارم  
اقدام نموده بقاعه با عراب که در مقام عیش از بر خانه بیدقی بالان  
می گشتند تا سه روز از هر خانه بیدقی بلند کردند و نواب اکبر میرزا  
نایب الحکومه بروجرد نیز حسب حکم نواب ام الدوله شادمانه  
شهر بروجرد را چراغان و این بند می نموده و فرمان هر  
مسار که را در مساجد که محل اجتماع جمیع فضلا و متدین و عوام  
عالی انجا بود در نماز خوانده مضمون این فتح نمایان را گو  
صغیر و کبیر و برنا و پیر نموده همگی زبان بدعای از یاد سوخت  
دولت قوی شوکت گشودند و هم چنین نواب جلال الدین میرزا پنا

مقتی های صاحب و قوف بکار انداخته اغلب روزها روزی  
سخت مضاعف خرج کار میکرد ریزاکه طول و عرض قنات منزل  
زیاده از سایر قنات آنجا است و فاصله هر چاه بی سجاه  
از یکصد و پنجاه ذرع بیشتر است و در چند جا قنات بسیار  
صلب و سخت است که بابت ارکلت سنگ ترس شده  
شده آب جاری شود تا کنون بقدری آب جاری گردید  
که چهل خردار بزرگ کاشته شد و بازمس معنی و عمل که کار  
در کارند که تا لاجی استخارا تمام نمایند و کمان دارند که بعد  
اتمام تقیه آن آب زیاد جاری بشود و این معنی زیاده با  
استبداداری و دغا کونی رعایای آنجا گردیده شاگردان

توپ نموده و نقاره خانه شادمانه نوحه مستعد و صحیح ولایات  
ابو ایچچی خود اخبار نمودند که سه روز نقاره شادمانه بنوازند  
و شلیک توپ نمایند در همه اولایات حسب الامر معمول است  
بلوارم جشن و شادمانی برود خاصه در محله که سه روز بلوارم  
اقدام نموده بقاعه با عراب که در مقام عیش از بر خانه بیدقی بالان  
می گشتند تا سه روز از هر خانه بیدقی بلند کردند و نواب اکبر میرزا  
نایب الحکومه بروجرد نیز حسب حکم نواب ام الدوله شادمانه  
شهر بروجرد را چراغان و این بند می نموده و فرمان هر  
مسار که را در مساجد که محل اجتماع جمیع فضلا و متدین و عوام  
عالی انجا بود در نماز خوانده مضمون این فتح نمایان را گو  
صغیر و کبیر و برنا و پیر نموده همگی زبان بدعای از یاد سوخت  
دولت قوی شوکت گشودند و هم چنین نواب جلال الدین میرزا پنا

دولت جاویدت علیته عینا

دیگر نوشته اند که وزیر نعمت در انولایت حاصل است  
و سجده انداز هر گونه اجناس و ماکولات کمال وفور  
ارزانی را دارد

مسار که را در مساجد که محل اجتماع جمیع فضلا و متدین و عوام  
عالی انجا بود در نماز خوانده مضمون این فتح نمایان را گو  
صغیر و کبیر و برنا و پیر نموده همگی زبان بدعای از یاد سوخت  
دولت قوی شوکت گشودند و هم چنین نواب جلال الدین میرزا پنا



لرستان درخواه که محل اردوی او بود سلام نوشته شد  
 توپ نمود و تمامی ایلات و طوایف شیرین و خاوه نشین از  
 سلسله و لغمان مرشد که شبها در کوه و صحرای آتش افروخته  
 بر اسم شادمانی اقدام نمودند و دستم چنین عالیجا عبداللہ  
 نامی بختیاری و جاپلق حکم بر اسم عیسی و شادمانی برد  
 تمامی ایلات بختیاری و دلمات جاپلق لازم است و سرت  
 بعل آوردند

دیگر نوشته اند که فوج کراری که مأمور عثمان بودند بعد از  
 ورود به شرم آباد نواب هزاره چشم المله و له سه روز آنها را  
 نگاه داشته سیورت عرض راه آنها را تا در قول حل نمودند  
 چارما را که در بر و جرد نام کرده بودند کلاً را تحویل فوج  
 کرده آنها را روانه عثمان نمودند و دو سه روزی که در  
 بود تکامل نوارش با آنها شده خود نوات معزتی الیمین  
 فوج مزبور رفته صاحب منصبان و آحاد و افراد آنها را مؤ  
 القات فرمودند و قورخانه مضبوط از هر نوع اسباب بعد  
 رسید با بچکل قاطران کارهای شتری و چه گریه نقد  
 مصحوب فوج مزبور روانه نمودند و مقرر شد که متعاقب  
 هم پی در پی قورخانه روانه شود

حتمه

از قرار یک در روزنامه حتمه نوشته اند سابقا از انسانی بود  
 علیه حکم شده بود که مقترب انخاقان چراغعلی خان حاکم  
 موجب سوار و خانواری سر با حتمه را با آنها عاید سازد  
 مقترب انخاقان مشارالیه از بیت و ششم ماه ربیع الاول  
 شروع بدادن تنخواه سواره مزبوره نموده یکدسته را کف  
 شده بودند تنخواه آنها را تقریباً بدست خود با آنها تسلیم نمودند

قبض پا بهر دریافت کرد و باقی را هم نبوت که حاضر  
 میشوند تنخواه آنها را همان قرار بدست هر یک هر یک  
 قبض میگیرد و چند روز دیگر موجب سواره کلاً پرداخت  
 میشود بعد از آن تنخواه سواره پرداخت

فارسس

از قرار یک در روزنامه فارسس نوشته اند مقترب انخاقان  
 مصطفی قلیچا میر شیخ بنا در چله لار و بندر لنگه را مقیم  
 و از آنجا بستک رفته قرار ایلات انخاقان را هم داده حرکت  
 کرده در مسیر و دو توپ ماه صفر وارد بلوک رگنا با شدند  
 در آنجا توقف دارد

عالیجا و جعفر قلیخان سرمنگ توپخانه نیز که با توپخانه و فوج  
 در کله دار بود مقترب انخاقان مصطفی قلیخان میر شیخ بعد از ورود  
 بلوک رگنا با عالیجا مشارالیه را هم با فوج خرقانی  
 و فدوی احضار کرده بود که بلوک رگنا با در قله در آنجا  
 متوقف باشند

دیگر نوشته اند که امالی لار بواسطه مأموریت مقترب انخاقان  
 صفحات توپم بخود راه داده خزمنهای خود را کوبیده و غل  
 انبار کرده شهرت داده بودند که امسال غله در لارستان  
 کم یا است بعد از آنکه بعد رسد هزار جزو غله تنخواه سوار  
 فسون حل و نقل لارستان شده و تحویل گردید نرخ غله  
 در آن ولایت متزلزل گئی بهم رساند و امالی لار ازین عمل پنهان  
 کردن غله بسیار نامد و پشیمان گردیدند و محسوم شد  
 علت غله انبارهای دیوانی آنجا درین سینه منجر شد

کردستان

از قرار یک در روزنامه کردستان نوشته اند کمال ان

۱۹۹۵